

بسم الله الرحمن الرحیم

سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهٖ زهی صانعی که از خاک و نطفه انسان پیدا آورده لَمْ یَکُنْ شَیْئًا مَّذْکُوْرًا و مظهر جلال و جمال خود و متصف بصفات کمال [illegible] بَصِیْرًا و با این همه ضعف و ناتوانی و جهل و نادانی بار امانت را که زمین و آسمان [illegible] تاب آن نیاوردند متحمل ساخته وَکَانَ ذٰلِكَ عَلَى اللهِ یَسِیْرًا و هر یک را بجود و احسان مشمول فرموده اِمَّا شَاکِرًا وَّاِمَّا کَفُوْرًا و برای شاکران نعمت و مومنان باایمان جنات النعیم مرتب ساخته وَاِذَا رَاَیْتَ ثَمَّ رَاَیْتَ نَعِیْمًا وَّمُلْکًا کَبِیْرًا و برای کافران که از نعم منعم و رب کریم رو گردانی کردند عذاب الیم مقرر ساخته سَلَاسِلَا وَاَغْلَالًا وَّسَعِیْرًا و از کمال رأفت انبیا و رسل فرستاده مُبَشِّرًا وَّنَذِیْرًا و تکمیل دین متین و تتمیم نعمت عظیم فرموده ببعثة خَاتَمِ النَّبِیِّیْنَ سَیِّدِ الْمُرْسَلِیْنَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ دَاعِیًا اِلَی اللهِ بِاِذْنِهٖ وَسِرَاجًا مُّنِیْرًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلَیْهِ وَعَلٰی جَمِیْعِ الْاَنْبِیَآءِ وَالْمُرْسَلِیْنَ وَعَلَی الْمَلٰٓئِکَةِ الْمُقَرَّبِیْنَ وَعَلٰٓی اٰلِهٖ وَاَتْبَاعِهٖ وَاَصْحَابِهٖ وَاَحْبَابِهِ الَّذِیْنَ یُوْفُوْنَ بِالنَّذْرِ وَیَخَافُوْنَ یَوْمًا کَانَ شَرُّهٗ مُسْتَطِیْرًا

اما بعد از حمد و صلوة فقیر حقیر محمد ثناء الله عثمانی مجددی می‌نگارد که خوف و طمع از جناب الٰهی جالب جمیع خیرات و حاجز از جمیع مکاره و سیئات است و اطلاع بر احوال قیامت مثمر این برکات لهذا این فقیر چند ورقی در بیان [illegible] بزبان فارسی بانتخاب و اقتباس از بدور السافره تصنیف امام همام علامه شیخ جلال الدین بن شیخ کمال الدین

ابی بکر السیوطی رحمة الله علیه بنویسد تا عامهٔ مومنین ازان متمتع شوند واین عاصی را بدعای حسن خاتمه و مغفرت ذنوب امداد و اعانت فرمایند والله المستعان وعلیه التکلان ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

باب اول در علامات قیامت که پیش از وقوع آن بظهور آید

نوع اول در علامات صغری در صحیحین از انس بن مالک روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم علامت قیامت آنست که علم برداشته شود وجهل زیاده شود وزنا و شرب خمر بسیار باشد وزنان بسیار پیدا شوند ومردان کم تا آنکه برپست زن یک مرد قیّم باشد و در صحیحین از عبد الله بن عمرو از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که علم از سینها یکدم محو نخواهد شد لیکن علما بمیرند وسرداران جاهل باشند بی علم حکم کنند گمراه شوند وگمراه کنند و [illegible] بن لبید روایت کرده که گفتم یا رسول الله علم چگونه نباشد ما قرآن میخوانیم [illegible] وزند همچنان تا روز قیامت باشد آنحضرت فرمود من ترا دانا می دانستم [illegible] یهود ونصاری توریت وانجیل میخوانند وبران عمل نمیکنند ومسلم از جابر از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که دروغگویان بسیار باشند وبخاری از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه وسلم آورده که کارها سپرده شوند کسانی را که اهل آن نباشند ومسلم از ابی هریره از آنحضرت آورده که مردم از کثرت بلا آرزوی موت کنند وترمذی از ابی هریره آورده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده وقتیکه مال غنیمت را سرداران دولت خود دانند ومردم امانت را غنیمت شمارند وزکوة را تاوان دانند وعلم را برای دنیا آموزند ومرد فرمان برداری زن ونافرمانی مادر کنند ویار را نزدیک وپدر را بعید کنند ودر مساجد آواز ها بلند کنند وفاسقان رئیس قوم باشند وارازل سردار قوم باشند واز خوف بدی مردان را گرامی کرده شود وسطربها ومعازف علانیه کرده شوند وخمر خورده شود وآخر امت اول امت را لعن کنند پس [illegible] را که سرخ رنگ باشد وزلزله وخسف ومسخ وقذف ودیگر علامات قیامت [illegible] چنانچه رشته گسسته شود ودانها که دران منتظم باشند فرو ریزند وترمذی از علی رضی الله عنه این حدیث روایت کرده کم زیاده ازین ودران پوشیدن حریر هم گفته

فصل در ذکر محمد مهدی رضی الله عنه ترمذی و ابوداود از ابن مسعود از انحضرت صلی الله علیه وسلم
روایت کرده نخواهد رفت دنیا تا که مالک شود عرب را مردی از اهل بیت من که نام او نام من باشد
و نام پدرش نام پدر من زمین را از عدل پر کند یعنی از جور پر شده بود و ابوداود از علی رضی الله عنه
روایت کرده که بسوی حسن رضی الله عنه دید و گفت که این پسر من سید ست چنانچه رسول فرمود
صلی الله علیه وسلم از صلب او مردی پیدا شود که نام او نام نبی شما باشد مشابه باشد آنحضرت را در خُلق
نه در خَلق ابوداود از ابی سعید خدری از انحضرت صلی الله علیه وسلم آورده در صفت مهدی کشاده پیشانی
بلند و باریک بینی و ابوداود از ام سلمه از انحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که با وشاهی در
آن زمان مردی از اهل مدینه براید و بسوی مکه گریخته رود و او را مردم برای خلافت برارند و او کاره باشد
و در میان رکن و مقام با وی بیعت کنند پس لشکری از طرف شام بروی فرستاده شود پس آن لشکر
در میان مکه و مدینه در زمین فرو رود و ابدال از شام و عصائب از عراق آمده با وی بیعت کنند
پس مردی از قریش براید که اخوال او از بنی کلب باشند مهدی بر وی لشکر فرستد و بر ایشان غالب شوند
(جمع خال یعنی برادر مادر ۱۲)
و مهدی بسنت پیغمبر صلی الله علیه وسلم عمل کند و اسلام در وقت او آرام بگیرد و
کند پس بمیرد و مسلمانان بر وی نماز خوانند و در روایت مرفوعه از ابی سعید خدری نزد حاکم وارد شده
زمین را از عدل پر کند و اهل آسمان و زمین ازو راضی باشند آسمان در باریدن و زمین در رویانیدن
کمی نکند مردم آرزو کنند و گویند درینوقت اگر مردگان هم زنده بودندی خوش آسایش کردندی و در
صحیحین ست که در آخر زمان خلیفه باشد که مال را بی شمار قسمت کند بی حد و مسلم از ابی هریره روایت کرده از انحضرت
(یعنی بسبب کثرت مال ۱۲)
صلی الله علیه وسلم که قیامت قائم نشود تا که مال بسیار شود و حدیکه مرد زکوة برارد و نیابد کسی را که قبول زکوة کند
(یعنی نشانیهای قیامت)
نوع دوم در علامات کبری مسلم از عبدالله بن عمر آورده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم اول آیات
طلوع آفتاب از جانب مغرب باشد یا خروج دابة الارض وقت چاشت هر یکی که ازینها باشد دوم
قریب آن ظاهر شود وقال الله تعالی وَاِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ اَخْرَجْنَا لَهُمْ دَآبَّةً
مِّنَ الْاَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ اَنَّ النَّاسَ كَانُوْا بِاٰيٰتِنَا لَا يُوْقِنُوْنَ ۝

قوله و در خُلق نه در خَلق یعنی در سیرت باطنی مشابه باشد نه در صورت ظاهری یعنی بعضی جهات بس مشابهت در صورت هم آمده ... ۱۲
۵ ای در میان حجر اسود و مقام ابراهیم ۱۲
ابدال گروهی از بندگان ...

یعنی وقتیکه واقع شود حکم خدا بر مردم بقیام قیامت یعنی قیامت نزدیک رسد خارج کنیم برای
مردم دابة الارض که سخن گوید با مردم آنکه مردم بآیات ما یقین نمیداشتند و در قرائتی غیر متواتر تکلمهم
بفتح تا و سکون کاف و تخفیف لام آمده یعنی زخمی کند مردم را برای آنکه بآیات خدا یقین نداشتند
ابن عباس گفته که هر دو باشد با مسلمانان کلام کند و کافران را زخم رساند و در روایات احادیث
اختلاف است در بعضی روایات آمده که روی او مثل روی انسان باشد صاحب لحیه و سائر بدن او
مثل پرنده باشد و در اکثر روایات آمده که چهار پایه باشد و در مکه از کوه صفا بر آید ابن عباس در حج بر
کوه صفا عصا کوفت و گفت که دابة الارض آواز این کوفت می شنود و بسیار عظیم الجثه باشد (ای کلان جسم او)
عبدالله بن عمر گفته که سر او با بر [illegible] ز در زمین باشد و بغوی از ابی شریح انصاری از
انحضرت صلی الله علیه وسلم روایت [illegible] ارض سه بار خارج شود اول در یمن ذکر او در صحرا باشد
و در مکه ذکر او نرسد [illegible] مکه رسد سوم بار در مکه بر آید سر خود را از خاک افشاند
[illegible] گریختن نتواند و سخن گوید مسلمان را یا مومن و کافر را گوید یا کافر و در روایتی
آمده که با وی عصای موسی و خاتم سلیمان باشد از عصای موسی بر پیشانی مومن نکته سفید نهد و لفظ مومن
نوشته شود و تمام روی او روشن شود و مثل کوکب درخشان و کافر را نکته سیاه بخاتم سلیمان بر پیشانی
کند کافر نوشته شود و روی او سیاه شود و بعد از آن مردم بشناسند و در بازار گویند ای مومن بخر چند
سیدهی و در بعضی روایات آمده که خروج دابة الارض بحضور عیسی باشد عیسی و مسلمانان در طواف باشند
که زمین بلرزد و صفا شگافته شود و دابه بر آید لیکن در صحیح مسلم آنست که اول آیات طلوع شمس از مغرب
و خروج دابه است چنانچه گذشت جلال الدین سیوطی گفته که بعد دابة الارض [illegible] دینی اثر باقی نماند
ترمذی [illegible] حدری روایت کرده که رسول صلی الله علیه وسلم
[illegible] ست قائم نشود تا که سباع با آدمیان سخن گویند و [illegible]
تازیانه و سر ال [illegible] چیزی که زن او بعد او کرده باشد و مسلم از حذیفه بن
اسید غفاری از رسول صلی الله علیه وسلم روایت کرده که قائم نشود قیامت تا که ده چیز پیش از آن نشانها

بظهور آیند دخان و دجال و دابة الارض و طلوع آفتاب از مغرب و نزول عیسی علیه السلام و یاجوج و ماجوج و سه خسف یکی در مشرق دوم در مغرب سوم در جزیرهٔ عرب و آخر همه آتشی از یمن آید که مردم را بسوی محشر برد یعنی زمین شام و در روایتی دهم بادی تند وزد که مردم را در دریا افگند و مسلم از ابی ذر از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که طلوع آفتاب از مغرب و دجال و دابة الارض هرگاه ظاهر شود بعد از ان ایمان کافر و توبه مقبول نباشد و بغوی وغیره از حذیفه روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که علامات قیامت اول دخان ست و نزول عیسی علیه السلام و خروج آتشی از غار عدن که مردم را بسوی محشر برد حذیفه گفت یا رسول الله دخان چیست آنحضرت این آیه خواند فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ يَغْشَى النَّاسَ هٰذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ فرمود دخان از مشرق تا مغرب در گیرد و چهل شبانه روز باشد مسلمانان را مانند زکام رسد و کافران را حالت مستی روی دهد از بینی و گوش و دبر دخان برآید و ابن مسعود ازین معنی انکار کرده و در صحیح بخاری ست که ابن مسعود گفته که چون قریش از آنحضرت کمال بدی کردند آنحضرت دعا کرد قحط بحدی شد که مردم استخوان خوردند و از شدت گرسنگی آنها را از زمین تا آسمان دخان بنظر می آمد لیکن بروایت حذیفه وغیره معلوم میشود که دخان هم از علامات قیامت باشد و به قال ابن عباس و ابن عمر و حسن بصری

فصل قصهٔ دجال از رسول صلی الله علیه وسلم در صحیحین وغیره آمده که چشم راست او کور باشد در بعضی روایات چشم چپ و در میان هر دو چشم او کافر مرقوم باشد هر کس از مسلمانان خواند کاتب باشد یا نباشد جوان باشد ژولیده موی از میان عراق و شام بیرون آید هفتاد هزار کس از یهود اصفهان با وی باشند هر سو فساد کند چهل روز باشد یکروز برابر سال روز دوم برابر ماه روز سوم برابر هفته دیگر ایام مانند سائر ایام مردم پرسیدند یا رسول الله دران روز که برابر سال باشد نمازهای پنجگانه کفایت کند فرمود نه اندازه کرده بخوانده باشید و مثل باد تند در زمین سیر کند بر جماعتی آید که مرا ... پس در ... شما ام باشد آسمان را گوید باران ببارد و زمین را گوید نبات ... زراعت پیدا شود و مواشی آنجا فربه و شیردار شود و بر قومی دیگر بگذرد و آنها را همچنان گوید

آنها سخن او را رد کنند پس بالهای شان هلاک شود و بر زمین خرابه بگذرد و بگوید که خزانهای خود را بیرون آر
خزانهای زمین پیشروی او کنند مرد مسلمان پیش او آید پیشروان او گویند کجا میروی گوید بسوی
این شخص که برآمده است آنها گویند که تو با پروردگار ما ایمان نداری گوید پروردگار ما پوشیده نیست
گویند این را بکشید پس بعضی بعضی را گویند که پروردگار شما منع کرده است که بدون حضور من کسی را
نکشید پس او را حضور او برند چون مرد مومن او را ببیند گوید [illegible] است که رسول صلی الله علیه وسلم
ازان خبر داده بود پس دجال گوید این را بگیرید و بزنید او [illegible] و بزنند و بگوید که ایمان بمن آر او گوید
که تو مسیح دجال هستی آن زمان امر کند که او را از سر تا قدم از اره دو پاره کنند و خود از میان هر دو قطعه
بگذرد پستر او را بگوید که برخیز او زنده شود و برخیزد پس گوید که حالا ایمان بمن می آری مومن گوید که حالا
زیاده تر ترا دانستم که تو دجال هستی [illegible] گوید که ای مردمان حالا چنین با کسی نخواهد کرد پستر او را دجال
بگیرد و خواهد [illegible] کار نکند پس دست و پایش گرفته بر تابد مردم
[illegible] ست و او بسوی جنت انداخته شود رسول الله صلی الله علیه وسلم
فرموده که [illegible] باشد در شهادت نزد خدا و با دجال صورت جنت و نار باشد چیزی را که مردم جنت
دانند جهنم است و چیزی را که جهنم دانند جنت است و در روایتی از روایات مذکوره در صحیح مسلم آمده
که دجال شخصی را طلب کند که جوانی در وی کامل باشد او را شمشیر زند و دو قطعه کند پستر او را بخواند
و او برخاسته بیاید آن زمان بخندد و خوش شود در میان حال عیسی علیه السلام برود دست بر
بازوهای دو فرشته نهاده بر مناره سفید شرقی دمشق فرود آید در حالیکه چون سر فرو کند قطرها
از سر او افتد و چون سر بالا کند ازان مثل دانهای مروارید فرو ریزد کافر اگر بسوی او رسد بمیرد و
[illegible] که نظر او رسد پس [illegible] شود و او را نزد باب لد که دهیست نزدیک بیت المقدس
[illegible] مسلمانان [illegible] محفوظ مانده بودند با عیسی جمع شوند و عیسی بر آنها
شفقت فرماید [illegible] بشارت دهد پس ناگاه حق تعالی بسوی عیسی وحی کند که برآوردم
از بندگان خود بندگانی که کسی قدرت جنگ با آنها ندارد نگاهدار بندگان مرا بسوی طور پس حق تعالی

یاجوج و ماجوج را فرستد که از هر بلندی به پستی می آیند پس پیشروان آنها بر دریای طبریه[۱] بگذرند
تمام آب آنرا بنوشند چون پس آیندگان آنها آنجا بگذرند بگویند که اینجا گاهی آب باشد پس سیر کنند
آنها تا آنکه رسند بجبل خمر[۲] که کوهی ست نزد بیت المقدس پس بگویند که اهل زمین را کشتیم باشد که اهل آسمان را
بکشیم پس تیر بسوی آسمان اندازند حق سبحانه تعالی تیرهای شان را پر خون باز گرداند و نبی الله عیسی
علیه السلام و یاران او محصور باشند تا آنکه کله گاو نزد آنها بهتر باشد از صد دینار نزد شما پس
روی آرند نبی الله و یاران او بدعا بسوی خدا پس حق تعالی کرمی در گردنهای آنها پیدا کند پس همه آنها
بمیرند پس عیسی و یاران او از طور بسوی زمین فرود آیند و یک وجب زمین از مردار و بدبوی یاجوج و ماجوج
خالی نیابند باز عیسی و یاران او بجناب الهی [illegible] پرندها بفرستد که گردنهای آنها
مثل شتران بختی[۳] باشد آنها را برداشته [illegible] تیرهای و ترکشهای شان
آنقدر باقی ماند که تا هفت سال مسلمانان [illegible] باران بفرستد که هیچ خانه از خشت
یا پارچه و پشم پناه از ان باران نتواند کرد پس تمام زمین را بشوید تا که صاف شود مثل آیینه پس
بفرماید حق تعالی زمین را که ثمرها رویاند و برکت باز دهد پس در ان روز یک انار آنقدر باشد که جماعتی
بخورند و از پوست آن سایه کنند و در مواشی آنقدر برکت شود که یک شتر ماده شیردار کفایت کند
جماعات کثیره را و گاو ماده شیردار یک قبیله کلان را و بز ماده شیردار کفایت کند قبیله خورد را
همچنین باشند تا آنکه حق تعالی باد پاکیزه فرستد و مردم را از زیر بغلها بگیرد از ان باد همه مسلمانان
بمیرند و کفار باقی مانند باهم اختلاط کنند مثل خران بر آنها قیامت قائم شود و در صحیحین آمده که دجال
از مشرق بقصد مدینه آید پس کوه احد فرود آید حق تعالی او را از دخول مدینه محروم داشته ملائکه
روی او را بسوی شام گردانند و آنجا هلاک شود و آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده که هر که دجال را
دریابد آیات اول سوره کهف بخواند از شر او ایمن باشد و بیهقی از ابی هریره روایت کرده که
دجال بر خر باشد میان دو گوش آن خر هفتاد باع [illegible] باشد بلغ مقدار قد آدم ست و در
صحیح مسلم قصه تمیم داری ست از ان معلوم می شود که دجال موجود ست محبوس ست

[۱] طبریه نام دریایی ست
[۲] جبل خمر کوهی ست [illegible]
[۳] بختی نسبی [illegible]

در جزیره دریای شام یا دریای یمن و دخول مکه و مدینه دجال را میسر نه شود و

فصل [illegible] صحیحین از ابی هریره مروی ست که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که قریب ست که فرود

آید عیسی بن مریم حاکم عادل بشکند صلیب را که نصاری آنرا می پرستند و بکشد خوکان را یعنی

حرام [illegible] [illegible] دادن آن موافق شرع محمدی و جزیه نهد بر نصاری و غیره کفار از اینجا معلوم میشود که

نصاری بر کفر خود باشند و بعیسی گرویده نشده باشند [illegible] تقسیم کند تا آنکه کسی قبول نکند و

[illegible] سجده نزد مردم بهتر باشد از دنیا و ما [illegible] [illegible] رسیده که شتر ماده جوان را گذاشته شود

[illegible] سعی نکند و عداوت و بغض و حسد در مردم نماند و مردم را برای گرفتن مال طلبیده شود

کسی قبول نکند و نیز مسلم از [illegible] [illegible] که چون عیسی نازل شود امیر آنوقت بگوید که شما

امامت کنید و نماز [illegible] [illegible] امیر باشد برای اکرام این امت و ابن جوزی از

عبدالله [illegible] [illegible] [illegible] وسلم فرمود که عیسی نازل شود و نکاح کند

[illegible] من در قبر من دفن کرده شود و روز [illegible] [illegible]

قیا[مت] [illegible] [illegible] درمیان ابی بکر و [illegible] [illegible] صحیح مسلم از عبدالله بن عمرو از آنحضرت

صلی الله علیه وسلم مرویست که عیسی هفت سال باشد و تطبیق این حدیث با حدیث سابق آن است

که بودن عیسی در زمین چهل و پنج سال ست از انجمله سی و هشت سال پیش از رفتن بسوی آسمان و هفت سال بعد نزول

فصل از ابی هریره در صحیحین مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که پیش از قیامت فرات

گنجی بیرون دهد از زر پس کسی که آنجا حاضر باشد باید که نگیرد از ان و روایتی در صحیح مسلم از ابی هریره

از آنحضرت صلی الله علیه وسلم آمده که فرا[ت] [illegible] زر بیرون دهد مردم بر وی جنگ کنند تا آنکه

از صد [illegible] [illegible] کشته شوند و [illegible]

[illegible] من باشم که نجات یابم و نیز مسلم از ابی هریره از آنحضرت

[illegible] هم روایت [illegible] [illegible] جگر گوشهای خود را مانند ستون ها از زر و نقره [illegible] قاتل

حسرت کند و بگو[ید] [illegible] بودم و کسی که قطع رحم کرده بگوید که برای این مال قطع رحم

کرده بودم و دزد بگ[وید] [illegible] [illegible] دست من قطع کرده شده پس طلبیده شوند مردم تا که بگیرند و کسی آنرا

تکبیر داین هر دو حدیث بر ازمنه مختلفه حمل کرده شود شاید که در ابتدا برای گرفتن مال قتال کنند و آخر کار کسی
قبول نکند والله اعلم و مسلم از عبد الله بن مسعود و انس و غیرهما روایت کرده که قیامت نخواهد شد
مگر بر بدترین خلق کسی در زمین الله الله نگوید بعد وفات عیسی علیه السلام مسلمانان از بادی لطیف بمیرند و مردم معروف
و منکر را نشناسند و شیطان متمثل شود و به بت پرستی دلالت کند و لات و عزی و ذو الخلصه را پرستند
آن زمان نفخ صور شود و هر که شنود کج کند گردن را پس بمیرند والله اعلم نفخه اول ست که از آن بمیرند و در
حدیثی آمده که نفخه اول نفخه فزع ست که از آن نفخه اهل آسمان و زمین در فزع و دهشت آیند از آن نفخه کوهها
بپرند و مثل ریگ شده بریزند و زمین در لغزش آید چنانچه کشتی در دریا میلرزد و مردم از لغزش زمین
مضطرب شوند و زمین خزائن و مردگان را که در زمین باشند بیرون افگند و زنان باردار اسقاط حمل
کنند و بچگان و جوانان پیر و ضعیف شوند و شیاطین بگریزند بسوی اقطار زمین پس ملائکه
روهای شان را بزنند و باز گردانند و مردم بگریزند بعضی بعضی را ندا کنند آن زمان زمین بشگافد و آسمان
مانند دردی شود پس بشگافد و ستارگان بریزند و شمس و قمر بی نور شود ایشان عذاب بر شرار
خلق باشد و مردگان را ازین خبر نباشد همدرین حال چندی باشند پس حکم شود اسرافیل را که باز در
صور بدمد در آن دم همه بمیرند از انس و جن و شیاطین بعده ملائکه بمیرند تا که باقی نماند مگر جبرئیل و میکائیل
و اسرافیل و عزرائیل و حمله عرش پس حکم شود جبرئیل و میکائیل بمیرند پس حاملان عرش بمیرند
و عرش را حکم شود صور را از اسرافیل بگیرد و اسرافیل بمیرد حق تعالی بفرماید
لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ هیچ کسی جواب دهنده نباشد خود بگوید لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ

باب دوم در احوال روز بعث و نشور که پنجاه هزار ساله باشد تا دخول جنت و نار

بعد نفخه اولی علی اختلاف الروایتین چون چهل سال بگذرند باران از عرش فرو ریزد بر زمین تا چهل روز
تا که آب بالای زمین دوازده گز شود و از آن آب حق تعالی اجساد مردگان را برویاند چنانچه سبزه
از زمین میروید چون جسدهای آدمیان کامل شود چنانچه بودند حق تعالی زمینی دیگر از نقره پیدا کند

... دیگر از زنده پیدا کند و مردگان را از زمین بر ان زمین اندازد بر پشت زمین و در شکم زمین پستر
... حاملان عرش را زنده کند پستر حق تعالی اسرافیل را زنده کند او صور از عرش بگیرد و
برلب ... جبرئیل و میکائیل و دیگر فرشتگان را زنده کند ارواح را طلب فرماید ارواح مومنان
... ان و درخشان و ارواح کافران بظلمت کفر و معاصی سیاه همه را حق تعالی در صور انداز
... عدا اسرافیل صور بدمد ارواح بامن نفخه که ... شهید باشند ... باشند از صور بر ایند و بحکم الهی
... ن از زمین برایند رسول فرمود صلی الله
... شم پستر ... نور برایند مومنان وقت برخاستن گویند
... ربنا الغفور شکور و کافران وقت برخاستن
... بعثنا من ... هذا ما وعد الرحمن وصدق المرسلون
... باعمال خود ... ان با فاسقان و کافران با کافران رسول
... در میان ابوبکر و عمر پس برایم بسوی
بقیع پس ... بقیع با من جمع شوند پستر بیایند بسوی من اهل مکه و مدینه و هر کس حشر کرده شود بر عملی که
بران مرده باشد شهیدان چون مبعوث شوند از زخمهای ایشان خون برآید که در رنگ مثل خون و بوی مانند
مشک باشد و هر که در حج مرده تلبیه گویان برخیزد و هر که در شراب خواری مرده در مستی برخیزد و همچنین صاحب
هر عمل نیک یا بد در صحیحین آمده که همه کسان برهنه غیر مختون برخیزند اول کسی که پوشانیده شود ابراهیم
علیه السلام باشد که دو پارچه سفید نفیس از بهشت پوشانیده شود پستر رسول کریم صلی الله علیه و
سلم به بهتر از ان پستر دیگر رسل و انبیا پستر مومنان و در بعضی احادیث آمده که مردگان
در همان پارچه که مدفون شده اند برانگیخته ... شوند و بعضی گویند که آن شهیدان باشند که در پارچه شهادت
مدفون شده بودند و شاید که ... پارچه خود مبعوث شوند پستر آن پارچه ...
گردند پستر هر یک ... ده شود و بعضی گویند مراد از پارچه اعمال صالحه است حق تعالی
میفرماید ولباس التقوی ذلک ... پستر رسول صلی الله علیه و سلم بر براق سوار شود

وحسنین بر ناقهٔ رسول کریم سوار شوند پس متقیان را بر ناقهای بهشت با زینهای طلا و مهار یاقوت
سوار کرده بحشر برده شوند و فاسقان را پیاده پابرند و کافران را بر رویهای شان کشیده ببرند و در
حدیث آمده که هرگاه مردم از قبور برایند عمل او بر صورت انسانی بادی ملاقات کند عمل مسلمان به
نیکترین صورت و خوشترین بو بود بگوید مومن را که مرا می شناسی گوید نمی شناسم مگر آنکه حق تعالی چه
خوش داده است ترا صورت و بو بگوید که همچنین بودی تو در دنیا من عمل صالح توام در دنیا بسیار
بر پشت تو سواری کرده ام حالا تو بر من سوار شو یوم نحشر المتقین الی الرحمن وفدا
کنایه ازان است و عمل کافر بد ترین صورت و بدترین بو بادی ملاقات کند و گوید که مرا می شناسی
گوید نمی شناسم لیکن چه بد کرده است حق تعالی صورت تو و بوی تو گوید همچنین بودی تو در دنیا
من عمل بد توام بسیار سواری کردی تو بر من اکنون من بر تو سوار شوم وهم یحملون اوزارهم
علی ظهورهم عبارت ازان است و چون از قبور بر آیند فرشتگان نویسندگان که در دنیا
همراه باشند و شاهد باشند بر انها مسلمانان را گویند لا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنة
التی کنتم توعدون یعنی خوف مکن و غم مخور و خوش باش بهشت که حق تعالی ترا وعده کرده بود
کافران و فاسقان بر صورتهای زبون باشند نابینا و بعضی بر صورت خوک یا سگ یا بوزنه و
مانند آن باشند و رباخواران مانند دیوزدگان استادن نتوانند و آنانکه مال یتیمان بظلم خورده باشند
چون از قبور برخیزند شعلهٔ آتش از دهان شان برآید قال الله تعالی انما یاکلون فی بطونهم نارا
متکبران بر صورت مورچها باشند هر کس نهارا پایمال کند و هر که بدون حاجت سوال کند چون
از قبر برخیزد بر روی او مضغهٔ گوشت نباشد هر که بر قتل مسلمان بنیم کلمه تکلم کند نوشته شود بر پیشانی او
نا امید از رحمت خدا هر که بجانب کعبه بزاق انداخته بزاق او بر روی او باشد هر که دو زن داشته باشد
و عدل نکند روز قیامت یک پهلوی او افتاده باشد هر که دو زبان باشد اورا حق تعالی دو زبان دهد
از آتش هر که مقدار یک وجب زمین غصب کرده باشد حق تعالی آن زمین را تا هفت طبقه طوق در گردن
سازد همچنین اگر کسی از راه مسلمانان گرفته باشد هر که از مال غنیمت شتر یا اسپ یا بز یا دیگر مال

[illegible] ایت کرده باشد آن مال را حق تعالی بر گردنش سوار گرداند هر که زیاده از حاجت عمارت کرده باشد

[illegible] که این عمارت را بر دوش خود بردار هر که زکات مال نداده باشد زر و سیم او را به آتش دوزخ

[illegible] داغ داده شود و شتر و گاو و گوسفندان را اگر زکات نداده باشد آن جانوران تا

[illegible] اگرچه بر ده کس حکم رانده باشد آورده شود

[illegible] گردنش بسته [illegible] ظلم کرده باشد طوق

[illegible] سوال [illegible] انداخته [illegible] ده دارد او را از آتش

[illegible] در قرآن [illegible] شود و اسلام و قرآن و اعمال صالحه شفاعت

تاج بر سر نهاده شود رسول فرمود صلی الله علیه وسلم

[illegible] الله اکبر ابن ابی الدنیا از ابن عباس روایت

ازرق چشم کریه المنظر آورده شود و او را خلق [illegible]

صورت ۱۲

[illegible] من معرفة هذه گفته شود

[illegible] مو [illegible] و بغض میکرد ببینید پس او را در

دوزخ انداخته شود پس بگوید ای پروردگار اتباع و پیروان من کجا هستند حکم شود که اتباع و

پیروان او را نیز با وی ببینند از نه شعر بروز حشر شود همچو روز معلوم است که باکه باخته عشق در شب [illegible]

و بیهقی از عباده بن الصامت و عمرو بن عبسه روایت کرده که دنیا را آورده شود و آنچه در دنیا برای

خدا است آنرا جدا کرده شود و آنچه برای غیر خدا است در آتش انداخته شود و آنحضرت صلی الله علیه وسلم

فرمود سه چیز زیر عرش باشند قرآن و امانت و رحم و شفاعت کنند رحم گوید هر که وصل کرده الهی

با وی وصل کن و هر که قطع کرده الهی [illegible] قطع کن و در احادیث آمده که اسلام و اعمال و قرآن و امانت

و رحم و ایام دنیا و موت [illegible] مصور شوند بعضی علما تاویل میکنند و میگویند که از اعمال نیک

صورتهای خوب و از اعمال بد [illegible] میزان ۱۲ بنهند و اصحاب کشف این همه احادیث را بر صور مثالیه

حمل میکنند لیکن ایمان بدان باید آورد [illegible] از ان تاویلات نتوان کرد و بحث از ان نباید نمود

فصل در ذکر کوثر چون مردم از قبور بر ایند تشنگی بر ایشان غالب باشد و هر پیغمبر را در ان روز حوضی باشد و هر امتی را علامتی باشد که نبی شان ازان علامت امت خود را بشناسد و سید المرسلین صلی الله علیه و سلم را حوضی باشد بنام کوثر یعنی خیر کثیر طول و عرض آن یکماهه راه باشد آب آن سفید تر از شیر و شیرین تر از عسل و سرد تر از برف و خوشبو تر از مشک و دران آب کوزها باشند مانند ستارگان زمین او از یاقوت و مرجان و زمرد باشد و دران دو میزاب از بهشت افتند و عارض آنسرور صلی الله علیه و سلم آن باشد ... رضی الله عنه ساقی باشد هر کرا ازان آب داد آنسرور ... گویند که ورود بر حوض بعد گذشتن از صراط باشد و بعضی ... گویند ... بعضی گویان وقت برخاستن از قبور داده شود و بعضی را بسبب معاصی ... داده شود بعد خلاصی از دوزخ پیش از دخول جنت داده شود تشنگی برداشتن ... سبب خوردن آب کوثر ... مشرکان را آب کوثر نصیب نیست و علما گفته اند که اهل هوا یعنی روافض و خوارج و معتزله و مانند شان نیز از آب کوثر محروم باشند و اهل کبائر را بعد خلاصی از دوزخ آب کوثر رسد

فصل چون مردم بمحشر جمع شوند دوزخ را آورده شود هفتاد هزار باگ بر هر باگ هفتاد هزار فرشته وقتیکه دوزخ بر صد ساله راه از خلائق باشد بجنبد و حمله کند بقسمی که انبیا و ملائکه از خوف وی بر زانو افتند و نفسی نفسی گویند و رسول کریم صلی الله علیه و سلم امتی امتی گوید حق تعالی فرماید اولیائی من امتك لا خوف علیهم ولا هم یحزنون سر د خواهم کرد چشم ترا در حق امت تو یا محمد و آفتاب نزدیک شود دران روز بقدر یک میل و حرارت او زیاده کرده شود و مردم در عرق غرق شوند بقدر گناهان شان بعضی تا شتالنگ و بعضی تا زانو و بعضی تا کمر و بعضی تا دهن علما گفته اند که این ازخوارق آن روز است که در زمین برابر متفاوت در عرق غرق شوند و دران روز سایه اعمال صالحه باشد بسبب اعمال صالحه و دوام ذکر خدا و عدالت حاکم ... رحم بر ضعیفان و ترسیدن از خدا و تعلم قرآن و محبت داشتن با صالحان خالصاً لله و حسن اخلاق و صله رحم و مانند آن در سایه عرش خدا باشد

ـه دوستان ... من از امت تو ... اند ...

کسانیکه خالص الله لی واسطهٔ قرابت و مانند آن باهم دوستی کنند و مردم را دوستی خدا دهند و با خدا
دوست سازند دران روز آنها را حق تعالی بر منبرهای نور نشانند که انبیا و شهدا ازان غبطه کنند و کسانیکه علم
بمردم آموز [illegible] بر قبها از سیم بنشانند که مرصع باشد بمروارید و یاقوت و پوشش
آن قبها [illegible] سندس و استبرق [illegible] در عرق غرق و محبوس باشند و از
[illegible] کنند که [illegible] طلب کنند اول از آدم پس از نوح
[illegible] قدرت شفاعت نیاید آنگاه
پیش [illegible] پیش عرش مجید آمده سر بسجده نهد آنگاه
[illegible] رده بودی بمن بقبول شفاعت شفاعت من
[illegible] کردهم و برای قضای آیم رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم [illegible] آسمان بپایین فرود آیند و زمین از انها پر شود
[illegible] که [illegible] باشند [illegible] بسته بایستند پس اهل آسمان دوم
بسیار زیاده از اهل زمین و اهل آسمان اول پس اهل آسمان سوم زیاده ازو و همچنین جمیع اهل آسمانها فرود آیند
هر یک زیاده از ماسبق پس حق تعالی نزول فرماید فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ مراد از نزول و الله اعلم
نحوی از تجلی باشد پس حق تعالی در جانوران حکم بقصاص فرماید هر بی شاخ از شاخدار عوض گیرد و اگر
انسانی عصفوری را عبث بکشد عصفور فریاد کند یا رب این شخص مرا بی فائده کشت نخورد
نه منفعت گرفت و نه زنده گذاشت در زمین تا رسول فرمود صلی الله علیه وسلم زنی بسبب گربه
در دوزخ رفت او را بسته داشت و طعام نداد و نه در گذاشت تا از حشرات زمین بخورد و شخصی
شتری را علف نداد و آخر [illegible] علیه وسلم فرمود که این شتر با تو روز قیامت خصومت
خواهد کرد چون قصاص جانو[illegible] بفرماید که خاک شوید همه خاک شوند کافر گوید کاشکی من
هم خاک میشدم پس حق ت[illegible] را طلب کنند و بفرماید که پیام من بخلق رسانیدی گوید
رسانیدم امت او را طلب [illegible] گویند نه پیام من بشما رسانیده آنها انکار کنند همچنین از دیگر انبیا

واستان شان سوال کنند کافران منکر شوند حق تعالی از انبیا شهود طلب کند گویند امت محمد صلی الله علیه وسلم
شاهد ماست امت محمد صلی الله علیه وسلم را طلب کند اینها شهادت دهند که انبیا راست میگویند گفته شود
که شما از چه دانستید گویند که پیغمبر ما کتابی از تو آورد و خبر داد که انبیا تبلیغ کردند حق تعالی بفرماید که راست
گفتید و پیغمبر ما صلی الله علیه وسلم گواهی دهد بصدق امت خود در رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که سه عرض
شود در روز قیامت اول آنکه کفار را سوال کنند یعنی انکار کنند از کفر دوم حق تعالی عذر آورد بر انبیا
علیهم السلام عذر تعذیب آنها ظاهر کند و حجت بر ایشان قائم کند سوم آنکه نامه اعمال [illegible]
آنحضرت صلی الله علیه وسلم میفرماید که نامه اعمال همه زیر عرش باشند حق تعالی بادی [illegible] که نامه اعمال
هر یک پریده بدست او افتد مومنان را در دست راست [illegible] را در دست [illegible] پشت اول سطر
آن باشد اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا یعنی بخوان نامه اعمال خود را
کفایت میکند نفس تو بر تو حساب کننده و در حدیث آمده که خوشی ست کسی را [illegible]

واعضای انسان بر وی شهادت دهند بر اعمال او و مکانها و زمانها [illegible]

آدم علیه السلام را حکم شود که از اولاد خود برای دوزخ جدا کن گوید چه قدر
بهشت و نه صد و نود و نه به دوزخ و میزان قائم کند حق تعالی تا نیکی و بدی مردمان را در ان سنجند
میزان را لسان باشد آنچه در دست میگیرند دو پله باشد بقسمیکه اگر آسمانها و زمینها در ان سنجیده شود
گنجایش دارد صاحب میزان جبرئیل علیه السلام باشد کافران را در میزان مطلقا وزن نباشد
حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ در حق شان ست در صحیحین از ابی هریره مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
آنکه آورده شود مردی فربه و تازه و او بقدر پر پشه وزن نباشد و این آیت خواند فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا و در حدیثی دیگر آمده که جزای حسنات کفار در دنیا داده شود و برای آخرت
او هیچ باقی نماند و مومنان را حسنات در یک پله نهاده شود و سیات در پله دوم پس
اگر سیات از حسنات زیاده باشد اگر حق تعالی خواهد بخشد اگر خواهد عذاب کند و اگر از سیات
یک حسنه هم زیاده شود آن حسنه را حق تعالی فراخ کند و او را به بهشت برد بزار و بیهقی از انس

[illegible]

[illegible] حضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که چون ابن آدم سنجیده شود اگر میزان او ثقیل شود
[illegible] همه خلق شنوند این شخص نیک بخت شد بدبخت هرگز نخواهد شد و اگر میزان او
سبک [illegible] بدبخت شد هرگز نیک بخت نخواهد شد در احادیث آمده سُبْحَانَ اللهِ
[illegible] لِلّٰهِ پری میزان است وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ راجح تر است از جمیع خلائق
[illegible] ولد صالح کسی بمیرد و صبر کند [illegible] صلی الله علیه وسلم فرستد و دیگر حسنات
[illegible] میزان [illegible] ذهبی از عمران بن حصین [illegible] الله علیه وسلم روایت کرده که سیاهی
[illegible] شد سیاهی علما بر خون شهیدان افضل باشد و از جماعتی
[illegible] میزان حسنات کم دیده شود ناگاه مثل ابرها در میزان او
آیند گفت [illegible] که این السنت [illegible] دم را علم آموخته و این چیز از و جاری مانده
[illegible] شد میزان او ناقص باشد و چون دم
[illegible] دوزخ محیط محشر باشد گردنی از آتش دوزخ بر آید
[illegible] و بگوید قسم بعزت پروردگار من بگذارید مرا با ازواج من گویند ازواج تو کیستند
گوید هر متکبر جبار نافرمان پس بر چیند آنها را چنانچه مرغ دانه می چیند و در شکم خود کند و باز همچنین کند و گوید
بگذارید مرا با ازواج من بگویند کیستند ازواج تو گوید كُلُّ خَتَّارٍ كَفُوْرٍ یعنی عهد شکن ناسپاس
آنها را بچیند و در شکم گیرد باز مرتبه سوم همچنین کند و گوید بگذارید مرا با ازواج من گویند آنها کیستند
گوید كُلُّ مُخْتَالٍ فَخُوْرٍ یعنی معجب خودپسند فخر کننده و در حدیثی آمده که گردنی از آتش برآید که
آن را دو چشم باشند و زبانی فصیح و بگوید که من امر کرده شده ام برای کسی که با الله معبود دیگر گیرد
و بهر جبار عناد کننده ناحق و بکسی که قتل کرده باشد نفسی را بغیر نفس پس آنها را بر چیند پیش از
دیگر آدمیان به پانصد سال و [illegible] ارشاد گفته که چون آدم را حکم شود به فرستادن آدمیان
به دوزخ هفت قسم از دوزخ [illegible] و قسم را گردنی از دوزخ بر آید و بر چیند چنانچه کبوتر دانه
می چیند اول آن کسان باشند که کافر باشند بخدا از راه تکبر الکافر دوم آن قسم باشند که کافر باشند

بخدا از راه جهل و غفلت بستر گفته شود که هر کس که با خدا دیگری را پرستش کرده است با معبود خود شود و آفتاب پرستان
پیروی آفتاب و آتش پرستان پیروی آتش و بت پرستان پیروی بتان کنند و آنها با معبودان
خود داخل دوزخ گردند و بگویند لَوْ كَانَ هٰؤُلَاءِ آلِهَةً مَّا وَرَدُوهَا یعنی اگر اینها معبود بحق بودی
داخل دوزخ نشدی بستر جماعه چهارم آن باشند که خدا را یکی میدانند و انبیا را تکذیب کنند
در صفات الهی براه جهل رفتند چنانچه کفار یونان بستر قسم خامس و سادس یهود و نصاری باشند
در محشر تشنه لب باشند گفته شود چه حال دارید گویند تشنه ایم ما را آب دهید گفته شود و بر دوزخ
واشاره کرده شود بر دوزخ و دوزخ بصورت سراب آنها را بنظر آید و در ان افتند و بروایتی آمده
که چون عابدان پیروی معبودان کنند یک فرشته بصورت عیسی برای نصاری و یک فرشته بصورت
عزیر برای یهود ظاهر شود و آنها پیروی او کنند و آنها را به دوزخ رسانند فقیر گوید ظاهر از یهود و
نصاری کسیکه پرستش عیسی و عزیر کرده از فرقه رابعه داخل دوزخ شوند و کسی که عیسی و عزیر را
رسول دانستند و پرستش آنها نکردند و بسبب انکار نبوت محمد صلی الله علیه وسلم کافر شدند آنها
در فرقه خامسه و سادسه داخل دوزخ شوند چون باقی نمانند مگر مومنان و درمیان شان منافقان باشند
حق تعالی ظهور کند و بفرماید مردم پیروی معبودان خود کردند شما هم پیروی معبود خود کنید آنها گویند
والله که ماسوای خدا دیگر کسی را عبادت نکرده ایم حق تعالی بگوید که من پروردگار شماام بگویند
که منتظریم ما که حق تعالی را بعلامتی که میشناسیم ببینیم آنزمان حق تعالی تجلی کند بنهجی که ازان تعبیر فرموده
يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ و حکم کرده شود بسجود مومنان مخلص بسجود در روند
و منافقان را پشتها مثل شاخهای گاو سخت شوند و بر پشت افتند و سجود نتوانند کرد در دوزخ
انداخته شوند پس مسلمانان سوال کرده شوند و حساب کرده شود و اعمال شان را در میزان عدل سنجیده شود
اول سوال کرده شود از خونریزیها مقتول گوید یارب ازین بپرس که مرا چرا کشته حق تعالی بپرسد
حال آنکه او داناترست غازی فی سبیل الله گوید که قتل کردم این را که عزت مر ترا باشد حق تعالی فرماید
راست گفتی و روی او را حق تعالی مثل آفتاب کند و فرشتگان متابعت او کنند و به بهشت رسانند

همراهی کردن

دیگر قاتل گوید کشتم او را تا که عزت مرا باشد حق تعالی فرماید هلاک شدی تو فرستاده شود به دوزخ پستر در
دیگر مظالم حکم بعوض کرده شود تا آنکه کسی که در شیر آب انداخته فروخته است تکلیف داده شود که شیر را از
آب جدا کن و سوال کرده شوند مردم از صحت بدن و سمع و بصر و دیگر نعمتها که کجا صرف کردید و سوال کرده شوند
از علم که بران عمل کردند یا نه و رسول فرمود صلی الله علیه وسلم علم را پوشیده ندارید خیانت در علم سخت ترست
از خیانت در مال حق تعالی از ان سوال خواهد کرد فرموده که مرد از جاه و مرتبه سوال کرده خواهد شد چنانچه از مال سوال
کرده خواهد شد و از ازواج و از اموال و ممالیک و چون سوال کرده خواهد شد از اعمال اول از نماز سوال کرده خواهد شد
و نماز را وزن کرده خواهد شد نماز را عند الله وزن است اگر دران نقصان خواهد بود فرائض را بنوافل جبر نقصان
کرده خواهد شد پستر در زکات پستر دیگر اعمال در حدیث آمده اول در نماز نظر کرده خواهد شد اگر نماز بدرجه قبول آید
در دیگر اعمال نظر کرده شود هر که امامت کند قومی را باید که از خدا بترسد و بداند که او ضامن است اگر بخوبی امامت کرد
او را ثواب باشد مثل ثواب مقتدیان و هرچه نقصان کند بر گردن وی باشد و از سه چیز سوال نکرده خواهد شد
از پارچه که بدان ستر عورت کند و از پارچه نان که گرسنگی دفع کند و خانه بقدریکه از گرمی و سردی پناه کند
و سوال کرده خواهد شد از انکه با که دوستی کردی و با که نکردی و با که دشمنی کردی و با که نکردی حق تعالی
خواهد فرمود هر که با دوستان من دوستی نکند و با دشمنان من دشمنی نکند او را رحمت من نرسد از بادشاهان
و قاضیان و حاکمان و سرداران سوال کرده خواهد شد از عدل و حسن سلوک با رعیت و از زنان که در مال
و اولاد شوهر چه کرده و از بنده که در مال سید چه کرده و چون بنده از گناه توبه کند حق تعالی
فرشتگان را از ان گناه فراموشی دهد و همچنین جوارح او را و زمین را و غیره شهادت دهندگان را
فراموش سازد و اگر مسلمانی را در دنیا مصیبتی رسد اگر خاری در پای او خلد او را موجب اجر داند و صبر
کند آن مصیبت عوض گناهان شود و از جزای گناه در آخرت محفوظ ماند و بعد حساب و وزن اعمال
اگر از حقوق الله چیزی بر ذمه او باقی ماند حق تعالی اگر خواهد عذاب کند و اگر خواهد بخشد و ستر عیب کند
احمد از ابی هریره روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که حق تعالی بنده مسلمان را روز قیامت
از خود نزدیک کند و بگوید نامه اعمال خود بخوان چون بر حسنه آید آن مرد خوش شود حق تعالی فرماید

[illegible]

قبول کردم او بسجده رود و چون بر خواندن گناه رسد غمگین شود و بترسد حق تعالی بفرماید که ترا بخشیدم باز بسجده رود و مردم از وی هیچ نه بینند مگر سجود و با هم مردم گویند چه خوش ست این مرد هیچ گناه نکرده است و نمیدانند که درمیان او و حق سبحانه چه گذشته و این را حساب یسیر گویند زیرا که از عائشه رض روایت کرده که آنحضرت در نماز گفت اَللّٰهُمَّ حَاسِبْنِيْ حِسَابًا يَّسِيْرًا چون از نماز فارغ گفت یا رسول الله حساب یسیر چیست فرمود آنست که حق تعالی در نامهٔ اعمال به بیند و او را به بخشد مَنْ نُوْقِشَ فِي الْحِسَابِ يَا عَائِشَةُ هَلَكَ و اگر زیاده فضل فرماید عوض گناه ثواب نیکی دهد حق تعالی میفرماید يُبَدِّلُ اللّٰهُ سَيِّاٰتِهِمْ حَسَنَاتٍ و مسلم از ابی ذر روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که مردی را روز قیامت آورده شود و صغائر گناه برے عرض کرده شود او بدان اقرار کند و بترسد و از کبائر ترسان باشد پس حکم شود که این را بجای هر گناه ثواب نیکی دهند آنگاه آمد و بطمع ثواب گوید که مرا دیگر گناهان هم هستند که نشمرده شده اند سید الرسل صلی الله علیه و سلم ازین سخن خندید که دندان مبارک ظاهر شد و ابن ابی حاتم از سلمان رضی الله عنه قول او روایت کرده که مردی را روز قیامت نامهٔ اعمال او داده شود او بالای صحیفه سیآت خواند و ترسان باشد و پایین صحیفه حسنات خواند باز چون بالای صحیفه نظر کند بجای سیآت حسنات نوشته بیند و از ابی هریره روایت کرده که میگفت بعضی مردم روز قیامت دوست دارند که سیآت بسیار میکردیم و آنها آن کسان اند که يُبَدِّلُ اللّٰهُ سَيِّاٰتِهِمْ حَسَنَاتٍ در شان آنهاست درین مقام دو توجیه میتوان کرد یکی آنکه بندگان خاص بمجرد صدور معصیت آنقدر ندامت میکشند و در جناب الٰهی تضرع و التجا میکنند که آن گناه کار حسنات میکند و فتح باب رحمت مینماید دوم آنکه کسانیکه غرق دریاے عشق و محبت الٰهی هستند در غلبهٔ حال گاهی از انها اعمال صادر میشود که بمیزان شرع سنجیده نمیشود مثل سماع و وجد و رهبانیه مبتدعه و ترک جمعه و جماعات در ار بعینات و کلمات شطحیه حق تعالے اینچنین اعمال را نظر بر عشق و محبت شان ثواب حسنات دهد مولوی قدس سره میفرماید

مثنوی
هرچه گیرد علتی علت شود ✕ کفر گیرد کاملی ملت شود ✕
کار پاکان را قیاس از خود مگیر ✕ گرچه ماند در نوشتن شیر و شیر ✕
او بدل گشت و بدل شد کار او ✕ لطف گشت و نور شد هر نار او ✕

وانچه در حدیث ابی ذر آمده که صغائر ذنوب بروی عرض کرده شود و کبائر پوشیده داشته شود معنیش آن باشد که عوض صغائر ذنوب حسنات داده شود واگر احیاناً بروز تقدیر از چنین کس کبیره صادر شود آنرا پوشیده دارد و بخشد وآنچه از حقوق عباد اگر بر ذمه کسی باشد هرگز بخشیده نشود بلکه حسنات مدیون بدائن و ظالم بمظلوم داشنیده شود واگر حسنات او تمام شود و دیون حقوق وهم بر وی باقی باشند سیآت دائنان و مظلومان بر مدیون و ظالم نهاده او را بدوزخ فرستاده شود رسول فرمود صلی الله علیه وسلم نباشد که میری و دین کسی بر تو باشد در آخرت درم و دینار نباشد در عوض دیون حسنات داده شود و یا سیآت وی نهاده شود و فرموده که اگر در راه خدا کشته شود و باز زنده شود و باز کشته شود داخل بهشت نشود تا که ادای دین نکند و فرموده که نامه اعمال گناهان سه باشد یکی بابت شرک هرگز بخشیده نشود دوم بابت حقوق الله حق تعالی در بخشیدن حق خود باک ندارد سوم ظلم عباد دران قصاص شود بی شبهه و فرموده که مفلس آنست که نماز و روزه وغیره حسنات دارد یکی را دشنام داده است و دیگری را مال گرفته و دیگری را خون ریخته و دیگری را زده است پس هر یک را حسنات او داده شود و چون از حسنات هیچ نماند گناهان مظلومان بروی نهاده او را بدوزخ انداخته شود لیکن اگر حق تعالی فضل فرماید خود از طرف مدیونان عوض داده مدیونان را از دائنان رهائی دهاند رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هر که مدیون شد و نیت ادای دارد و او را میسر نشد حق تعالی از طرف او ادا کند واگر در نیت او ادا نباشد قصاص حسنات و سیآت کند و معهذا اگر دین برای اسراف خود کرده باشد البته ماخوذ شود واگر بنابر ضرورت یا برای تقویت جهاد یا برای تعفف در نکاح یا برای تکفین مردهٔ فقیر مسلمان مدیون شده باشد و نیت ادا دارد حق تعالی از وی ادا کند واگر زیاده تفضل کند مظلومان را بانعامات خوش کند تا که او را ببخشند و او را با خود ببهشت برند

فصل بعضی مسلمانان را حق تعالی بغیر حساب ببهشت داخل کند و ایشان را از حساب معاف دارد و در صحیحین از ابن عباس مروی ست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم عرض کرده شد

بر من امتهای انبیای سابق با بعضی از پیغمبران یک مرد مومن ست و با بعضی دو مرد و با بعضی کسی نیست
و با بعضی جماعتی ست و دیدم سواد کثیر که افق را پر کرده و هر سو همچنین سواد کثیر دیدم گفته شد که این
امت تست با اینها هفتاد هزار کس باشند که بغیر حساب داخل بهشت شوند رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم آنها کسانند که افسون نکنند و داغ نکنند و تطیر نکنند و بر خدا توکل کنند عکاشه
(شگون بد گرفتن)
رضی الله عنه گفت من هم از انجماعه باشم فرمود باشی مردی دیگر گفت من هم باشم فرمود
عکاشه سبقت کرد و همچنین در صحیحین از ابی هریره و نزد مسلم از عمران بن حصین آمده و در حدیث
ابی امامه آمده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که مرا وعده کرده است پروردگار من که هفتاد هزار کس
از امت تو بغیر حساب داخل بهشت شوند و با هر هزار کس هفتاد هزار کس باشند و سه حثیات از
حثیات پروردگار و حثی چیزی را گویند که در دو کف شخص آید و در حدیث ابی بکر صدیق نزد احمد
(بحای مهمله و ثای مثلثه ۱۲)
وغیره آمده که هفتاد هزار کس بغیر حساب داخل بهشت شوند روی شان باشند ماه شب چهاردهم باشد پس
زیاده طلب کردم از خدا پس زیاده کرد حق تعالی با هر کس ازان هفتاد هزار کس هفتاد هزار کس و در حدیثی
آمده کسانیکه حمد خدا کنند در راحت و رنج داخل بهشت شوند بغیر حساب و در حدیثی آمده که شهدای فی سبیل الله
داخل بهشت شوند بغیر حساب و در حدیثی آمده که شب خیزان و در حدیثی اهل فضل و اهل صبر و متحابون فی الله
داخل شوند بغیر حساب اهل فضل کسانند که کسی بر انها ظلم کند صبر کنند و کسی با ایشان
بدی کند ایشان ببخشایند و کسی با ایشان جهل کند ایشان تحمل نمایند و اهل صبر آنها هستند
که بر طاعت خدا و از معصیت صبر کنند و متحابون فی الله آنها که برای خدا با همه دوستی کنند
و بی علاقه دنیا لله ملاقات نمایند و در احادیث آمده هر که در رنج و مصیبتها صبر کند و هر که
در حج و عمره بمیرد و اهل عرفان و احسان و طالبان علم و زنی که فرمان بردار زوج باشد و ولد نیکی کننده
با والدین و کسی که از فقر جامه مکرر ندارد و طعام دو قسم نتواند خورد و شراب دو قسم ندارد و کسیکه
(بهیچ نوع گریه ۱۲)
بدنیا رغبت ندارد و کسیکه از خوف خدا بگرید بغیر حساب داخل بهشت شوند و اصبهانی از انس رض
روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم چون مردم قائم شوند اهل نماز و اهل روزه

واهل حج را ثواب داده شود بمیزانها و اهل بلا (یعنی صاحب رنج و درد در دنیا) آورده شوند نه میزان برای شان نهاده شود و نه
دفتر اعمال برای آنها گشاده شود و ریخته شود برانها ثواب بغیر حساب تا آنکه اهل عافیت تمنا کنند
آنکه بدنهای شان در دنیا بمقراضها بریده میشد حق تعالی میفرماید إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ
بِغَيْرِ حِسَابٍ یعنی جز این نیست که داده خواهند شد صابران ثوابهای شان بغیر حساب پس تر چون اهل
کافران را حکم بدوزخ و مومنان را حکم برفتن بسوی بهشت شود مومنان را حق تعالی موافق اعمال
شان نور دهد بعضی کسان را نور باشد مانند کوه و بعضی را مثل درخت خرما و کمترین نور کسی را
باشد که نور او در انگشت پای او باشد گاهی ظاهر شود و گاهی پوشیده و کافران و منافقان را
نور نباشد قال الله تعالی وَمَن لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِن نُّورٍ و در بعضی احادیث
آمده که منافقان را هم نور باشد لیکن آن نور بر صراط منطفی شود و منافقان مومنان را گویند که
نظر کنید بما ما هم از نور شما روشنی گیریم مومنان گویند ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا یعنی
بازگردید پس پشت خود جائیکه حق تعالی نور در مومنان تقسیم کرده آنجا نور طلب کنید یا آنکه در
دنیا روید آنجا ایمان و اعمال صالحه کسب کنید که این نور ازانست آنگاه مومنان را دیواری
مثل دیوار قلعه پیش آید دران دیوار در باشد مومنان ازان در گذرند و منافقان بیرون
باشند اندرون آن دیوار رحمت باشد نسیم بهشت و بیرون آن عذاب دوزخ منافقان
مومنان را آواز دهند آیا ما با شما نبودیم بر ملت اسلام مومنان گویند آری شما با ما بودید لیکن شما
نفس خود را در فتنه یعنی کفر و معصیت انداختید که عقائد فاسده و اعمال خبیثه اختیار نمودید
ظاهرا در آیات و احادیث که دلالت دارند بر نبودن نور منافقان را مراد از منافقان آنکسان اند
که در باطن کفر دارند و بنا بر تقیه و استهزا کلمه شهادت میگویند آنهارا نور نباشد که اصل نور ایمان
ست و ایمان بقلب تعلق دارد و در احادیث که وارد شده که منافقان را نور منطفی شود
مراد از اصحاب توحید از فرقهای مبتدعه باشد روافض و خوارج و معتزله و مانند شان که
نور ایمان آنها از دود بدعت منطفی شود فائده رسول فرمود صلی الله علیه وسلم نماز نور باشد

برصراط وکسی که در تاریکیها بمساجد رود نور تام باشد روز قیامت و فرموده هرکه سوره کهف
خواند روز جمعه اورا از زیر قدم تا آسمان نور باشد روز قیامت و فرموده مردی صالح اگر در دنیا
کور شود اورا نور باشد روز قیامت و فرموده هرکه تیر انداخت در راه خدا اورا نور باشد
روز قیامت و فرموده ذکر کننده در بازار را از هر مو نور باشد روز قیامت و فرموده هرکه
سختی از مسلمانان دور کند اورا مشعله باشد از نور برصراط که از ان روشنی پذیرد عالمی که احاطه
نکند آنهارا اگر رب العزت و فرمود که پرهیز کنید از ظلم بدرستی که ظلم تاریکیها باشد روز قیامت

فصل چون محشر را دوزخ محیط باشد برای رفتن بسوی جنت برپشت دوزخ پلی باشد
که آنرا صراط گویند باریکتر از مو و تیزتر از شمشیر و بران پل کلوبها و خارها باشد کافران و منافقان
در دوزخ افتند و بر صراط عبور نتوانند کرد و مومنان ازان بگذرند بقدر اعمال خود بعضی مثل برق
و بعضی مثل باد تند و بعضی مثل اسپ تیز رو و بعضی مثل شتر تیز رو و بعضی مثل پیاده جلد رو
و بعضی مثل پیاده سست قدم و بعضی بخرابی و وقت مجروح شده رنج کشیده نجات یابند و بعضی بسبب
گناهان خود در دوزخ افتند در حدیث آمده که هرکه واسطه شود بسوی پادشاه برای حاجت برادر مسلمان
حق تعالی اورا در گذشتن برصراط مدد فرماید و هرکه بخوبی صدقه دهد بخوبی از صراط بگذرد و در حدیث آمده
که هرکه مردم را سنت پیغمبر صلی الله علیه وسلم آموزد بچشم زدن برصراط دیر نکند و از وهب بن منبه مرویست که
داود علیه السلام از حق تعالی پرسید که جلد رو تر برصراط که باشد فرمود کسانیکه از حکم من راضی باشند
و زبان شان بذکر تر باشد و ابن مبارک و ابن ابی الدنیا از سعید بن ابی هانی روایت کرده که صراط
روز قیامت بر بعضی مردم باریکتر از مو باشد و بر بعضی مثل وادی پهن تر حق تعالی میفرماید
وَاِنْ مِّنْكُمْ اِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلٰى رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِيْنَ اتَّقَوْا وَّنَذَرُ
الظّٰلِمِيْنَ فِيْهَا جِثِيًّا یعنی نباشد از شما کسی مگر وارد شود دوزخ را هست این امر بر پروردگار تو
لازم حکم کرده شده پس نجات دهیم متقیان را و بگذاریم ظالمان را دران بر زانو افتاده مراد از ورود جهنم
همین گذشتن است برصراط که برپشت دوزخ باشد بعضی مردم چون داخل بهشت شوند بگویند که

کلوب آنرا آهنگران گویند آهن گرم [illegible]

وعده کرده بودی بورود دوزخ او دوزخ را دیدیم گفتم شود که چون شما از دوزخ گذشتید دوزخ سرد شده
وطبرانی از یعلی بن امیه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که دوزخ روز قیامت مسلمان را
گوید که زود بگذر ای مومن که نور تو آتش مرا سرد کرد و در حدیث آمده که هر کرا سه کس از اولاد او پیش از بلوغ مرده باشند
دارد در دوزخ نشود مگر ره گذر و در حدیثی آمده که هر که نگهبانی مسلمانان کند از کفار برای خدا در دوزخ وارد نشود
مگر تحلة قسم و در صحیح بخاری از ابی سعید خدری مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که چون مومنان
از آتش نجات یابند حبس کرده شوند بر پلی که میان دوزخ و بهشت باشد پس قصاص گرفته شود بعضی را
از بعضی در مظالم چون از ان پاک شوند داخل بهشت شوند پس قسم کسی که جان محمد صلی الله علیه وسلم در دست اوست که هر یک
از شما خانه خود را در بهشت راه یابد چنانچه خانه خود در دنیا می شناسد علما در تفسیر این حدیث اختلاف
کرده اند بعضی میگویند که این پل دیگر باشد بعد صراط و بعضی میگویند که بر کنار همان صراط برای
قصاص باهم استاده کرده شوند و ظاهر آنست که این قصاص سوای آن قصاص باشد که پیش از
صراط شده آن قصاص بدخول دوزخ باشد و این قصاص بحبس باشد از دخول جنت تا وقتیکه مهذب شوند

فصل جماعتی از مسلمانان چون از آتش دوزخ بسبب اعمال صالحه نجات یابند و بسبب بعضی معاصی
دخول جنت نتوانند کرد در قلعه که میان بهشت و دوزخ باشد محبوس باشند آن قلعه را اعراف گویند
رسول فرمود صلی الله علیه وسلم اعراف سوری است میان بهشت و دوزخ و اصحاب اعراف گناهگاران اند
که محبوس باشند بحکم خدا بر سر دیوار اعراف باشند دوزخیان را بسیاه روئی و بهشتیان را بسفید روئی
بشناسند چون بسوی اهل بهشت بینند دخول بهشت را طمع کنند و چون بسوی دوزخیان بینند از
حال شان پناه جویند بخدا آخر کار حق تعالی آنها را داخل بهشت سازد قوله تعالی أَهَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ
أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنتُمْ تَحْزَنُونَ
و در حدیثی آمده که اصحاب اعراف مردان باشند که در راه خدا شهید شده باشند لیکن نافرمان پدران
باشند بسبب شهادت داخل دوزخ نشوند و بسبب معصیت پدران داخل بهشت نشوند تا وقتیکه گوشت
و چربی شان خشک شود در آن زمان حق تعالی برحمت خود آنها را داخل بهشت کند این حدیث را مستفاد [illegible]

که از شهادت هر چند گناهان آمرزیده شوند که السیف محی الذنوب آمده اما حقوق العباد آمرزیده نشود
و ابن مسعود رضی الله عنه گفته که هر کس را که حسنات او از سیآت بیک حسنه بیفزاید داخل بهشت شود
و هر که سیآت او از حسنات بیک سیئه فزاید داخل دوزخ شود و هر که حسنات و سیآت او برابر باشد
آنها بر صراط محبوس باشند آنها اهل اعراف اند نور مومنان مومنان را به بهشت رساند و نور منافقان
منطفی شود و اصحاب اعراف را نور منطفی نشود و لهذا طمع دخول جنت دارند و آخر کار داخل جنت شوند
غرضکه اعراف را منزلهٔ بین المنزلتین نباید دانست چنانچه بعضی اهل اهواء گفته اند چرا که در اعراف خلود نیست

فصل شفاعت اکرم الرسل صلی الله علیه وسلم و دیگر انبیا و صدیقان و شهدا و اولیا و علما و صلحا و
طفلان که صغیر مرده باشند و شفاعت اعمال صالحه از تلاوت قرآن و نماز و روزه و صدقه و مانند آن
حق ست هر کرا حق تعالی اذن کند و هر وقت که اذن شود شفاعت کنند و شفاعت شان قبول شود
بعضی کسان را در قبر شفاعت در رسد رسول صلی الله علیه وسلم سوره ملک را گفته هِيَ الْمَانِعَةُ هِيَ
الْمُنْجِيَةُ مِنْ عَذَابِ اللهِ و بعضی را در عرصات رسد مستحق دوزخ داخل دوزخ نشود
و بعضی بعد دخول دوزخ بشفاعت از انجا رهائی یابند و بعضی را در بهشت بشفاعت درجات عالیه
میسر شوند رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که حق تعالی امرا اختیار داده در میان آنکه نصف امت من
و بروایتی دو ثلث امت من بغیر حساب و عذاب داخل بهشت شوند و در میان شفاعت برای امت خود
شفاعت اختیار کردم و آن برای هر مسلمان باشد درین باب احادیث بسیار اند و فرمود صلی الله
علیه وسلم که شفاعت من باشد برای کسانیکه گناه کبیره کرده باشند و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
خوب مردم من برای بدان از امت خود مردم گفتند چگونه یا رسول الله فرمود بدان بشفاعت من در
بهشت روند و نیکان باعمال خود در روند و فرمود که شفاعت کرده باشم کرده باشم تا آنکه گویم که ای
پروردگار شفاعت من قبول کن در حق هر کس که لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ گفته حق تعالی فرماید قسم بعزت من
و جلال من که هیچکس را در دوزخ نگذارم که لا اله الا الله گفته باشد و فرمود علیه السلام که هر که اذان
شنیده گوید اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ تا آخر او را شفاعت من باشد

و فرموده هر که ثابت باشد بر سختی مدینه و آنجا باشد برای او شاهد و شفیع باشم
و فرموده هر که در مدینه یا مکه بمیرد او را شفاعت کنم و فرموده هر که برای زیارت
من آید واجب باشد بر من شفاعت او و در روایتی آمده هر که زیارت قبر من کند واجب باشد
بر من شفاعت او و فرموده بسیار درود بفرستید بر من بروز جمعه و شب جمعه هر که چنین کند او را
شاهد باشم و شفیع و فرموده هر که ده بار صبح و ده بار شام بر من درود فرستد او را شفاعت من رسد
و فرموده بهترین کسان برای شفاعت من روز قیامت کسی باشد که درود بر من بسیار فرستاده باشد
و فرموده که هر که بعد نماز این دعا خواند اَللّٰهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّدَنِ الْوَسِیْلَةَ وَاجْعَلْهُ فِی الْمُصْطَفَیْنَ
مَحَبَّتَهُ وَفِی الْعَالِیْنَ دَرَجَتَهُ وَفِی الْمُقَرَّبِیْنَ دَارَهُ واجب شود او را شفاعت محمد صلی الله
علیه وسلم و فرمود که دو صنف باشند که آنها را شفاعت من نرسد روز قیامت یکی مرجیه دوم قدریه
مرجیه آن باشند که یقین کنند بمغفرت و بگویند که مسلمان را هیچ گناه ضرر نکند چنانچه کافر را هیچ حسنه
فائده نکند و قدریه منکر شفاعت اند و میگویند که صاحب کبیره بدون توبه مخلد فی النار باشد و فرموده
که دو مرد را شفاعت من نباشد یکی پادشاه ظالم دوم آنکه در دین از شرع تجاوز کند و برآید یعنی اهل اهواء
مثل روافض و خوارج و مانند آنها و فرمود که جدال بگذارید جدال کننده را شفاعت من نرسد یعنی آنچه
خدا و رسول بفرماید آنرا قبول باید کرد و در آن جدال نباید کرد و فرمود اول شفاعت کننده و شفاعت
قبول کرده شده من باشم و فرمود اول شفاعت انبیا باشد پستر شفاعت صدیقان پستر شفاعت شهدا
و بروایتی اول شفاعت انبیا پستر شفاعت علما پستر شفاعت شهدا پستر شفاعت مؤذنان و فرمود عالم
و عابد حاضر شوند عابد را گفته شود که داخل بهشت شو و عالم را گفته شود که بایست تا شفاعت کنی
از ابن عمر مرویست که گفته شود عالم را که شفاعت کن در شاگردان خود اگرچه عدد ستارگان باشند
فرمود رسول صلی الله علیه وسلم که شهید شفاعت کند در هفتاد کس از اهل بیت خود و فرمود که حاجی کند در
چهارصد کس از اهل بیت خود شفاعت کند و فرمود که مردی شفاعت کند برای یک مرد و مردی برای دو کس و
سه کس روز قیامت و مردی باشد که بشفاعت او زیاده از بنی تمیم و مثل ربیعه و مضر داخل بهشت شوند

یعنی بحث بطریق رد و اظهار نه برای تحقیق ۱۲

و فرموده که مردی از اهل جنت مشرف شود بر دوزخیان مردی از اهل دوزخ گوید ای فلان آیا مرا می شناسی
گوید نی گوید که من آنکس هستم که تو از من آب خواستی من ترا آب خورانیدم مرا شفاعت کن آن مرد از خدا سوال
کند او از آتش برآید مردی مردی را گوید من ترا آب وضو داده بودم مردی دوزخی مردی بهشتی را
گوید یاد داری که تو مرا برای کاری فرستادی من رفتم و کار ترا کردم او شفاعت کند و رسول فرموده
صلی الله علیه وسلم در تفسیر قوله تعالی فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ مراد از
یزیدهم من فضله شفاعت ست برای دوزخیان کسانیکه با ایشان در دنیا نیکی کرده بودند و فرموده
که حافظ قرآن را که حلال را حلال داند و حرام را حرام داخل جنت کرده شود و شفاعت کند در ده کس
که آتش برای شان واجب باشد و فرمود طفلان مسلمین زیر عرش شفاعت کنند و شفاعت شان
قبول شود و در حدیثی آمده هر کراسه بچه مرده باشد بر در دروازه بهشت استاده باشند آنها را گفته شود
که در بهشت بروید گویند چگونه رویم پدر و مادر ما داخل نشده اند در مرتبه دوم یا سوم گفته شود در روید
شما و پدر و مادر شما و فرمود که روزه و قرآن شفاعت کنند روزه گوید که من این را از خوردن و شهوت
بازداشته بودم شفاعت من قبول کن و قرآن گوید که من این را از خفتن بازداشته بودم و حجر اسود را
روز قیامت لب و زبان باشد شهادت دهد برای کسی که بوسه داده بر وی و رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
لعنت گویندگان روز قیامت شاهد و شفیع نباشند اگر کسی گوید که چون از شفاعت رسول
صلی الله علیه وسلم امت او از آتش بیرون شدند بشفاعت دیگران چه حاجت باشد گفته شود که شفاعت
دیگران از علما و صلحا و غیرهم داخل شفاعت آنحضرت ست که بدولت متابعت آنحضرت مرتبه شفاعت
یافتند حق تعالی برای اظهار شرف آنها آنهارا مرتبه شفاعت داده در صحیحین در حدیثی طویل از ابی سعید خدری
مروی ست که رسول صلی الله علیه وسلم فرموده چون مومنان از آتش رهائی یابند و از صراط بگذرند در جناب الٰهی
برای برادران خود که در دوزخ باشند آواز شفاعت مبالغه برارند و گویند ای پروردگار اینها با ما نماز و
روزه و حج میکردند حکم شود که برارید هر کرا بشناسید حق تعالی آتش بر صورتهای مسلمانان حرام کند
صورتهای شان بحال باشد پس برارند خلقی کثیر را و گویند یارب حالا از اینها کسی نمانده که امر کردی حکم شود

پس تمام دهد ایشان را اجرهای ایشان و زیادت دهد افزون ایشان را از فضل خود ۱۲

که باز ببرید و هر که در دل او بقدر دیناری ایمان باشد وی را برارید پس بیرون آرند خلقی کثیر را باز حکم شود که بروید
و برارید کسی را که در دل او مثل مورچه ایمان باشد پس برارند خلقی کثیر را از و بگویند یا رب حالا نگذاشتیم در دوزخ
هیچ چیز پس حق تعالی بفرماید که فرشتگان شفاعت کردند انبیا شفاعت کردند مسلمانان شفاعت کردند
و باقی نماند مگر ارحم الراحمین **فَيَقْبِضُ قَبْضَةً مِّنَ النَّارِ** یعنی حق تعالی یک قبضه از دوزخ بگیرد
پس برارد قومی را که گاهی هیچ عمل نیک نکرده است مثل انگشت شده است پس بیندازد حق تعالی آنها را در
نهری بر روی بهشت آن را نهر حیات گویند پس آیند چنانچه دانه می روید در سیل پس برایند مثل دانه مروارید
در گردنهای شان مهرها باشند اهل بهشت گویند که اینها آزاد کرده خدا اند و باقی ماند یکی در میان دوزخ و
بهشت روی او بسوی دوزخ باشد سوال کند از خدا که روی من از دوزخ بگردان حق تعالی فرماید که چیزی
دیگر سوال نکنی او عهد کند که نکنم حق تعالی روی او بسوی بهشت کند و تازگی جنت بیند مدتی خاموش ماند
باز گوید که مرا نزدیک دروازه بهشت کن حق تعالی فرماید که تو عهد کرده بودی که دیگر سوال نکنم باز از وی عهد بگیرد
که دیگر سوال نکنم و بر دروازه بهشت برد مدتی آنجا خاموش باشد باز سوال کند دخول بهشت را حق تعالی فرماید که تو
عهد کرده بودی که سوال نکنم او گوید الهی مرا بدبخت ترین خلق نکن دعا کرده باشد تا که حق تعالی بخشد و داخل بهشت کند او را
و بفرماید که آرزو کن او آرزو کند تا که منقطع شود آرزوی او حکم شود که آنچه آرزو کردی ترا باشد و ده چند زیاده از آن

فصل رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که رحمت را حق تعالی صد حصه کرده یک حصه در جمیع خلائق تقسیم کرده
و نود و نه حصه نزد خود داشته که روز قیامت دوستان خود را خواهد کرد فرمود که قسم بخدا آن قدر رحمت خواهد کرد
که ابلیس امیدوار شود و بیشتر رحمت او تعالی قاریان قرآن و علما را باشد حق تعالی می فرماید **ثُمَّ اَوْرَثْنَا**
الْكِتٰبَ الَّذِيْنَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهٖ وَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ
سَابِقٌۢ بِالْخَيْرٰتِ بِاِذْنِ اللّٰهِ ذٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيْرُ جَنّٰتُ عَدْنٍ يَّدْخُلُوْنَهَا
یعنی بعد انبیای سابق وارث کتاب کردیم کسانی را که برگزیدیم از بندگان خود پس بعضی از اینها ظالم باشند
بر نفس خود گنهگاران و بعضی از اینها میانه رو باشند و بعضی از اینها سبقت کننده باشند به نیکیها باذن خدا
این است فضل بزرگ بهشتهای همیشگی را داخل شوند که نهرها در آن جاری باشند رسول فرمود صلی الله علیه وسلم

این لفظ را مصنف در توصیف بهشت از خود افزوده اند و از ترجمه نیست

يحلون فيها من اساور من ذهب ولؤلؤا ولباسهم فيها حرير

سابقان داخل بهشت شوند بغیر حساب و میانه روان را حساب یسیر شود و ظالمان در طول محشر محبوس باشند بسبب رحمت خدا
آنهارا تلافی کند بگویند الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ
و فرمود که حق تعالی علمارا فرماید که من علم خود در شما نداده بودم مگر آنکه اراده مغفرت شما داشتم برای شما بر هر چه از شما آید و باک ندارم
فائده بهترین مسلمانان نزد خدا سه فریق اند شهدا که جان خود هارا در راه خدا بذل کردند دوم علما که عقل
و حواس خود ها در راه خدا بذل کردند سوم اسخیا که مال خود ها در راه خدا بذل کردند لیکن اخلاص شرط است
که نیت خالصاً لله باشد و گرنه اول بدوزخ روند مسلم از ابی هریره روایت کرد که رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم اول کسی که حکم کند بروی حق تعالی شهید باشد حق تعالی گوید که چندین نعمت بتو دادم تو
چه عمل کردی گوید که در راه تو شهید شدم فرماید که دروغ گفتی قتال کردی برای آنکه مردم ترا جری و شجاع گویند
پس گفته شده حکم شود که او را کشیده بدوزخ اندازند دوم عالم که حق تعالی نعمتها باو داده پرسد که چه
عمل کردی گوید که برای تو علم آموختم و مردم را تعلیم کردم و قرآن خواندم و خوانانیدم حق تعالی فرماید که دروغ
گفتی بلکه تعلیم و تعلم کردی تا که ترا مردم عالم و قاری گویند پس گفته شده حکم شود بدوزخ انداخته شود سوم
مردی که او را حق تعالی مال داده و او هر صنف مال بمردم بخشیده چون نعمتها خدا باو داده از وی پرسد که
چه عمل کردی گوید که در راه تو مال هر صنف خرج کردم حق تعالی فرماید که دروغ گفتی نمیدادی مردم را
مگر تا که ترا جواد گویند و گفته شده حکم شود بدوزخ انداخته شود پس در هر عمل نیت خالصةً لله
شرط قبول است رسول فرمود صلی الله علیه وسلم إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ عمل معتبر نیست مگر به نیت

فصل الْإِيمَانُ بَيْنَ الْخَوْفِ وَالرَّجَاءِ ابو نعیم از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول فرمود
صلی الله علیه وسلم که یکی را از انبیای بنی اسرائیل وحی شد که طاعت کنندگان مرا بگو که بر عمل خود تکیه نکنند اگر
بنده را حساب کنم و خواهم که او را عذاب کنم البته او را عذاب کنم یعنی در حساب کسی نمی تواند بر آمد و بگو گناهگاران را
که از رحمت خدا نا امید نشوند که من گناهان کبیره را می بخشم و باک ندارم و طبرانی از واثله بن اسقع روایت کرد
که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که روز قیامت بندهٔ باشد که هیچ گناه نکرده حق تعالی ازو گوید چه میخواهی
اگر خواهی بحساب اعمال ترا جزا دهم و اگر خواهی بفضل خود او گوید الهی تو داناتری من گناهی نکرده ام آنگاه حکم شود

۵ هم سابقین خدای را که برد از ما اندوه را بیشک پروردگار ما هر آینه بخشنده و قدرشناس است ۱۲

۶ ایمان درمیان بیم و امید است ۱۲

که نعمتی را از نعمتهای من مقابل عمل او کنید ادنی نعمت از نعمتهای خدا همه اعمال او را فرا گیرد آنگاه آن بنده گوید
الٰهی بفضل و رحمت خود مرا ببخش و بزار از انس رضی الله عنه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود
دفاتر سه اند یکی دفتر حسنات دوم دفتر سیآت سوم دفتر نعمتهای خدا اگر خدا حکم کند ادنی نعمت همه حسنات را
در گیرد و گناهان باقی مانند و اگر فضل فرماید گناهان را و نعمتها را ببخشد و حسنات را مضاعف کند

باب سوم در صفت جهنم و عذاب کفار نعوذ بالله منها

طبرانی از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت کرده که جبرئیل نزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم آمده متغیر اللون
آنحضرت پرسید که چه حال ست گفت نیامده ام نزد تو مگر بعد آنکه حکم فرمود حق تعالی بکلید های جهنم یعنی جهنم را
دیده آمده ام فرمود وصف کن برای من آتش را گفت حق تعالی امر کرد تا آتش هزار سال افروختند تا که
سفید شد پستر هزار سال دیگر افروختند تا که سرخ شد پستر هزار سال دیگر افروختند تا که سیاه شد پس
آن سیاه و تاریک ست روشن نیست شرر آن و کم نمیشود سوزش آن قسم بکسی که ترا فرستاده براستی
بحق که اگر سوراخی شود از دوزخ بقدر سر سوزن اهل زمین همه بمیرند از گرمی آن و اگر فرشتگان عذاب که در جهنم اند
ظاهر شود کسی از انها بسوی دنیا و اهل زمین او را ببینند همه بمیرند از زشتی روی او و بد بوی او و اگر یک حلقه
از زنجیر دوزخیان که در قرآن مذکور شده نهاده شود بر کوههای دنیا هر آئینه فرو رود تا زمین سفلی هر گاه حق تعالی
دوزخ را پیدا کرده دلهای ملائکه از دهشت آن پریدند چون آدم علیه السلام مخلوق شد دلهای شان
قرار گرفت در صحیحین ست که آنحضرت فرمود که هر چند در دوزخ خلق انداخته شود دوزخ هل من مزید
گوید تا که رب العزت دران قدم بنهد آن زمان بعضی از آن بسوی بعضی بپیچد و گوید بس بس دوزخ در زمین
سفلی ست یعنی زیر زمین و بهشت بالای آسمان هفتم از وهب بن منبه مرویست که چون قیامت
قائم شود فلق که پوشش سقر ست از سقر دور شود و از آن آتشی بر آید و دریا که بر جهنم مطبق ست
و حاجز ست میان جهنم و هفت طبق زمین در چشم زدن افروخته کنند همانست بحر مسجور
فصل جهنم را هفت درکه است و هفت در ست یکی بالای دیگری و بر آنها هر در جماعتی ست قسمت کرده شده

اول شان جهنم ست وران عذاب کمترست برای گنهگاران این امت پست تر ازان لظی ازان پست سعیر
ازان پست حطمه زیر آن سقر زیر آن جحیم پست تر هاویه منافقان در درک اسفل باشند از دوزخ مسلمانان
را باید که همیشه از دوزخ بحق سبحانه پناه جویند از مجاهد مرویست که بنده را امر کرده شود که در دوزخ اندازند
دوزخ باهم بپیچد گفته شود که چه حال ست دوزخ گوید که این مرد از من بتو پناه میجست حکم شود که این را
بگذارند بیهقی روایت کرده که رسول صلی الله علیه وسلم نمی خفت تا که تبارك و حم سجده
نمی خواند و فرمود که حم ها هفت اند و درهای جهنم هم هفت اند حم سجده ازان روز قیامت
بر دری از درهای جهنم بایستد و بگوید که الهی داخل نشود ازین در کسیکه با من ایمان داشت و مرا می خواند

فصل موکلان جهنم نوزده فرشته اند مالک رئیس آنهاست هزار سال پیش از خلقت جهنم مخلوق شده اند
و هر روز قوت شان زیاده میشود و هر یک ازان آنقدر هست که در میان دو شانه او صد ساله راه است
در دلهای شان رحمت مخلوق نشده و با هر یک ازان گرز ست و مالک را انگشتان بعدد همه دوزخیان
کسی در دوزخ نیست که مالک او را از یک انگشت خود عذاب نمیکند و قرطبی گفته نوزده سردارند و موکلان
جهنم بیشمارند و ویل وادیست در جهنم عمیق که کافر در وی تا چهل سال فرو میرود و پیش ازانکه در قعر او رسد و در روایتیست
که در وی ریم دوزخیان جاریست و صعود کوهیست در جهنم در هفتاد سال جهنمی باعلای آن رسد و باز ازانجا
فرو افتد همچنین تا ابد باشد و در روایتی آمده که صعود سنگیست که اگر بروی دست رسد گداز شود و چون دست بردارد
باز دست درست بشود و همچنان و فرمود صلی الله علیه وسلم که اگر سنگی بوزن ده درم از لب جهنم انداخته شود
تا هفتاد سال بپایین او نرسد و در نهایت آن غی ست و اثام و آن هر دو نهر اند از ریم دوزخیان و موبق
وادی عمیق ست روز قیامت فاصل باشد در میان مسلمین و کفار از اهل دوزخ در صحیحین ست که دوزخ شکایت
کرده بسوی پروردگار خود و گفت که از شدت حر بعضی اجزای من بعضی را خورده حکم شده او را بدو دم
دمی بسردی که از سردی او در دنیا سرما میشود و دمی بگرمی که از گرمی او در دنیا گرما میشود

فصل کافران را پارچه از آتش باشد و نیز پیرهنها از مس گداخته شده شدید الحرارة وهب بن منبه میگوید
اهل دوزخ را پوشاک باشد و برهنگی برای شان بهتر ست از پوشاک و حیات باشد و موت برای شان بهتر باشد

از حیات و برای دوزخیان فرش باشد و لحافها از آتش دوزخیان و زنجیر باشند که هفتاد گز طول آن زنجیر باشد
هر گز از این هفتاد ذراع هر ذراع مقدار ما بین مکه و کوفه اگر تمام آهن دنیا جمع کرده شود به یک حلقه زنجیر دوزخیان نرسد
آن زنجیر را از دبر ایشان داخل کرده و از دهن برآورده بر گردن پیچیده شود و حمیم بالای سر کافر ریخته شود پس بر شکم
فرو ریزد آنچه در شکم باشد در قدمش باز همچنان درست شود و باز حمیم آب گرم ریخته شود و طعام دوزخیان زقوم
باشد اگر قطره از آن در دریا افتد زندگانی اهل دنیا را فاسد کند زقوم درختی باشد از شدت گرسنگی آدمی
از وی به دندان گیرد آن درخت از آدمی همان قدر گیرد و دیگر طعام دوزخی ضریع باشد رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم ضریع چیزیست در دوزخ مشابه خار تلخ تر از صبر بدبوتر از مردار گرم تر از آتش وقتیکه بخورد
صاحب او نه در شکم فرو رود و نه از دهن برآید گلوگیر باشد نه فربه شود نه گرسنگی دور سازد و نیز طعام دوزخیان
غسلین باشد یعنی ریم دوزخیان و شراب شان حمیم باشد یعنی آب [illegible] و غساق یعنی آب سرد
سوزی در غایت سردی و در حدیث آمده که اگر یک دلو غساق در دنیا افتد تمام دنیا بدبو شود و از کعب
مرویست که غساق چشمه ایست در دوزخ که در آن زهرهای تمام جانوران زهردار باشد ایشان را
در آن غوطه داده شود گوشت و پوست از استخوان جدا شده در پای افتد و آنرا مثل پارچه بکشند ترمذی
از ابی الدرداء روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم گرسنگی بر کافر غالب کرده شود بحدی که
برابر همه عذابها باشد پس فریاد کنند و طعام خواهند طعام داده شود که در گلو بسته شود پس یاد کنند که در دنیا
از آب طعام را از گلو فرو می بردند فریاد کنند و آب خواهند پس حمیم بکلوبهای آهنی نزد روهای شان کرده شود
از گرمی آب روهای شان بریان شود چون در شکم داخل شود آنچه در شکم از امعاست قطع کند آنگاه خازنان
دوزخ را گویند دعا کنید از پروردگار که یک روز از ما عذاب کم کند خازنان گویند که رسولان نزد شما نیامده بودند
گویند که آمده بودند خازنان گویند شما دعا کنید و نیست دعای کافران مگر در گمراهی یعنی نا قبول است مالک را
گویند ای مالک دعا کن که حق تعالی ما را بمیراند مالک بعد هزار سال جواب دهد که شما همیشه در عذاب باشند
آنگاه از حق تعالی دعا کنند ای پروردگار ما بدبختی ما غالب شد و ما قومی گمراه بودیم ما را از دوزخ برآر اگر
باز کفر کنیم ظالم باشیم حق تعالی جواب دهد اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ یعنی دور شوید در دوزخ و سخن مگوئید آنگاه

در زفیر و حسرت باشند در روایتی آمده که این جواب بعد مدت عمر دنیا شنوند در روایتی آمده اهل دوزخ را
پنج دعا باشد اول گویند ای پروردگار مرده کردی مارا دو بار و زنده کردی مارا دو بار اقرار کردیم بگناهان
خود آیا مارا باشد راهی بسوی برآمدن از دوزخ جواب دهد حق تعالی این عذاب از انست که چون مردم
توحید میکردند شما اعتقاد بشرک میداشتید و شرک میکردید پس حکم مر خدا راست نه دیگری را باز ندا
کنند الهی ما دیدیم و شنیدیم مارا باز بدنیا بفرست تا عمل کنیم نیکو جواب یابند بچشید این عذاب را
شما فراموش کرده بودید این روز را ما شمارا فراموش کردیم بچشید عذاب را همیشه بسبب اعمال خود باز
گویند ای پروردگار فرصت ده مارا تا مدتی نزدیک یعنی اندک در دنیا قبول کنیم دعوت ترا و پیروی کنیم رسولان را
جواب دهد خدا آیا نبودید شما که قسم میخوردید که شمارا زوال نباشد باز گویند ای پروردگار مارا از دوزخ برار
عمل نیک کنیم غیر آنچه عمل میکردیم حق تعالی فرماید آیا عمر نداده بودیم شمارا در دنیا آنقدر که دیگران دران عمر پند
پذیرفتند و آمدند نزد شما رسولان ترساننده از عذاب خدا پس بچشید عذاب ظالمان را کسی مددگار نیست
باز گویند ای پروردگار ما بر ما بدبختی غالب شد و بودیم گمراه ای پروردگار ما مارا برار پس اگر باز کفر کنیم ظالم
باشیم آنگاه جواب داده شوند اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ باز هیچ سخن نگویند رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
که در دوزخ مارها باشند مانند گردنهای شتر بختی و کژدمها باشد خردتر شان مثل خچره گاه نیش زنند
پنج او تا چهل سال باقیماند در روایتی آمده که نیش کژدمها مثل درخت طویل از خرما باشد مسلم از ابی هریره
روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که بدن کافر آنقدر فراخ کرده شود که دندان او مثل کوه احد باشد
و پری پوست او مسافت سه مرحله راه و در روایتی آمده که مقعد او از کتم تا مدینه و در حدیثی آمده که ما بین
نرمه گوش تا دوش کافر هفتصد ساله راه باشد آتش بدن کافر را خورد تا که رسد بر دل او باز بدنش
درست شود باز همچنان کنند تا ابد معاذ رضی الله عنه گفته که در یک ساعت صد بار جلد کافر سوخته شود
و باز درست گردد عمر رضی الله عنه گفته همچنین از رسول صلی الله علیه وسلم شنیده ام و در روایتی در ساعتی
صد و بیست و بار تبدیل جلد شود و در روایتی شش هزار بار و از حسن بصری مرویست که در روزی
هفتاد هزار بار و جمع روایات بتعداد اشخاص کفار میتوان کرد و نیز چون در ساعتی شش هزار بار باشد

در روزیکه دوازده ساعت باشد هفتاد و دو هزار میشود باسقاط کسر جمع این دو روایت میشود
و از خدیفه مرویست که در جهنم درندگان و سگان و کلوبها و شمشیرها از آتش باشند ملائکه کافران را ابدان
کلالیب قطع کنند و ازان شمشیرها عضو عضو بدا آمده پیش سباع و سگان بیندازند و هر بار که عضوی
را ببرند بجای آن عضوی دیگر قائم شود و در حدیثی آمده که النقص بروی کفار را آنچنان کنند که لب بالا
کشیده شود تا نیم سر رسد و لب پایین فروهشته تا ناف رسد ابن عباس در تفسیر قوله تعالی فَلْيَضْحَكُوا
قَلِيلًا وَّلْيَبْكُوا كَثِيرًا تفسیر باید که دنیا قلیل ست در دنیا بر فه ... خندند چون دنیا منقطع شود
گریستان منقطع نگردد رسول فرمود صلی الله علیه وسلم ... تا که آب چشم منقطع شود ازان
خون بگریند و در رویهای شان خندقها شوند که ... کشتیها دران ... و فرموده که دوزخیان
مدتی آب چشم ریزند بسترمدتی ریم گریند پس خازنان جهنم گویند ای بدبختان ... در دنیا نگریستید حالا کسی را
فریادرس داریدآن زمان از اقربای خود که بهشتیان باشند ندا کنند ای جماعه پدران و مادران و فرزندان
برآمده ایم از قبور تشنه و در طول موقف تشنه ماندیم والحال تشنه ایم بریزید بر ما آب یا آنچه خدا الشما
داده است بعد چهل سال ازانجا جواب یابند که حق تعالی آب وغیره بر کافران حرام کرده است دوزخیان را
در دوزخ زفیر و شهیق باشد یعنی آوازی شدید و آوازی ضعیف مثل آواز خر از اهل دوزخ کمتر در عذاب
کسی باشد که او را نعلین از آتش باشند که ازان دماغ او جوشد چنانچه دیگ میجوشد داند که کسی از من در
عذاب سخت ترنیست حال آنکه او کمتر است در عذاب عباس رضی الله عنه از رسول صلی الله علیه وسلم پرسید
که ابوطالب حمایت تو میکرد او را چیزی نفع کردی فرمود آری او در ضحضاح آتش است
اگر من نمی بودم در درک اسفل می بود ضحضاح آبی قلیل را گویند که تا شتالنگ باشد
یا کمتر ازان در حدیثی آمده که ابوطالب را نعلین ست از آتش که ازان دماغ او میجوشد

باب چهارم در عذاب گناهگاران از مسلمین

رسول فرمود صلی الله علیه وسلم دوزخیان در آتش نه زنده باشند یعنی بزندگی راحت و نه مرده باشند

وبعضی کسان را آتش رسد پس بسیرند مثل انگشت شوند پس حکم شود بشفاعت آنها پس آنها را آورده بر
نهرهای بهشت انداخته شوند واهل بهشت را حکم شود که بر آنها آب بریزند پس آنها مثل سبزه برویند ودر حدیث
آمده که گرمی دوزخ برامت من مانند گرمی حمام باشد یعنی در حق بعضی کسان و فرموده که بعضی دوزخیان را آتش
تا شتالنگ باشد وبعضی را تا زانو وبعضی را تا سینه وبعضی را تا حلق وبعضی را تا سر و فرموده زنان را که من شمارا
اکثر اهل دوزخ دیدم زنی گفت چرا فرمود شما لعنت بسیار میگوئید وکفران نعمت شوهران میکنید ونیز در حق زنان
فرموده که آنها بر عطا شکر نمیکنند وبر بلا صبر نمیکنند و فرمود که مردی را در دوزخ انداخته شود پس بیرون آیند امعای او
پس او در آتش گردش کند چنانچه خر گرد آسیا میگردد دوزخیان جمع شوند وبگویند ای فلان چه حالست ترا تو ما را
امر معروف ونهی از منکر میکردی گوید که من شمارا امر معروف میکردم وخود آن کار نمیکردم ونهی از
منکر میکردم وخود مرتکب آن میشدم و فرموده که سخت تر در عذاب مردی باشد که طلب علم میتوانست کرد
وطلب علم نکرد ومردی عالم که بعلم خود نفع نگرفت و فرموده که زبانیه جلدی کنند در عذاب قاریان پیش از
عذاب بت پرستان آنها گویند که شما در عذاب ما جلدی کردید پیش از بت پرستان آنها گویند که
عالم مثل جاهل نباشد یعنی معذور نباشد ودر حق کسی که قلاده یا گوشواره یا دست بند از زر پوشیده
آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که قلاده ومانند آن از نار باشد علما این حدیث را در حق زنان
منسوخ گفته اند یا تاویل میکنند بعدم ادای زکات و فرموده هر که در ظرف زر یا نقره آب خورد آتش
دوزخ در شکم او آواز کند چنانچه آب در کوزه وهمچنین هر کرا گریبان جبه از حریر باشد او را طوق از آتش باشد
ودر صحیحین است که فرمود هر که خواب دیدن ظاهر کند وندیده باشد تکلیف داده شود که ذره دو جو گره دهد
ونتواند وهر که سخن کسی را گوش نهد واو بشنیدن او راضی نباشد در گوش او سرب گداخته ریخته شود
روز قیامت وهر که صورت ذی روح سازد تکلیف داده شود که دران روح داخل کند وهر که علم را
پوشیده کند او را لگام از آتش داده شود وهر که دو زبان باشد در دنیا یعنی روبروی شخصی بوضعی دیگر گوید
وغائبانه بوضعی دیگر او را دو زبان باشد از آتش روز قیامت وهر کرا در وضو پاشنه خشک ماند باشد
پاشنه او را روز قیامت و فرموده آنحضرت صلی الله علیه وسلم که در وضو در انگشتان خلال کنید تا آتش

و رهبان شان نیاید و در صحیح [illegible] آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده که هرکه از بلندی خود را انداخته مرده
همیشه در دوزخ در همین عذاب باشد و هرکه [illegible] خورده مرده همیشه در دوزخ زهر خورده مرده باشد و هرکه
با آهن خود را کشت همیشه آهن او در دست او باشد که در شکم میزده باشد و فرموده هرکه اهل مدینه را
بدی خواهد در آتش گداز د چنانچه قلعی گداخته میشود و هرکه غیبت می کند گفته شود که بخور گوشت او در حالت
مردگی چنانچه خوردی گوشت او در حالت زندگی [illegible] و [illegible] پنج کس‌اند در حدیثی آمده که چهار کس
باشند که در جحیم و حمیم بگردند [illegible] کنند و اهل دوزخ گویند که اینها کیستند که نزدیک شان ما را ایذا کرده
شده زیاده از ایذای نفس خود دادند و گویند [illegible] [illegible] ما را بود دیگری آنکه مال مردم بر گردن
او باشد و ادا نشود او معلق باشد در تابوت [illegible] از [illegible] ببل بیاید چرک و بدن چیز
او اعضای خود در آتش کشد سوم آنکه از سخن بد در مرد ملعنت کرد [illegible] باشد چهارم آنکه
غیبت و نمیمه کند او همیشه گوشت خود بخورد و از قیصور [illegible] [illegible] است که گفته عالم که از علم خود منتفع نشد
دوزخیان متاذی شوند از بوی بد او و رسول فرمود صلی [illegible] چهار زانیان ایذا دهند اهل دوزخ
را از بدبوئی و در صحیحین است که رسول فرمود صلی الله علیه [illegible] حق تعالی بر خود لازم گرفته است
آنکه هرکه مسکر خورد او را نوشاند حق تعالی طینت خبال فرم[illegible] چیستی ده دوزخیان و در حدیثی آمده
که هرکه خمر نوشد خدا او را حمیم جهنم نوشاند و فرمود رسول صلی الله علیه و سلم که مدینه هجرتگاه و خوابگاه منست
و اجابت بر امت من گرامی کردن اهل مدینه را تا که پرهیز کنند از کبایر و کسی که چنین نکند او را حق تعالی
طینت خبالی نوشاند و فرمود [illegible] در حق مسلمان گوید آنچه در وی نباشد خدا تعالی او را ساکن ردغة خبال
کند تا که برآید از آن قول [illegible] نخواهد آمد از آن قول و فرموده که زنان نوحه گر را وصف کرده بر جانب یمین و یسار
دوزخیان استاده کرده شود پس آواز کرده باشند بر دوزخیان مانند آواز سگان و فرموده که بیاید
ظالمان سگان دوزخ باشند و در صحیحین آمده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده که سخت تر عذاب مصوران را
باشد و در حدیثی آمده که سخت تر عذاب روز قیامت کسی را باشد که انبیا را دشنام دهد بیشتر کسی را
که اصحاب مرا دشنام دهد بیشتر کسی را که دیگر مسلمانان را دشنام دهد و فرموده که سخت تر عذاب کسی را باشد

که نبی را قتل کرده یا نبی او را قتل کرده و بادشاه ظالم را و مصوران را و فرموده که سخت تر عذاب روز قیامت
کسی را باشد که مردم را در دنیا عذاب سخت تر میکند و در حدیثی آمده که حق تعالی بعضی مردم را بدخول بهشت
حکم کند چون نزدیک بهشت رسند و خوبی بهشت بینند حکم کند که اینها را از بهشت بازگردانیده بدوزخ اندازند
پس آنها بحسرتی بازگردند که دیگر دوزخیان را آن حسرت نباشد بگویند ای پروردگار اگر ما را از اول
داخل دوزخ میکردی بهتر می بود حق تعالی فرماید که همین خواستم که شما را حسرت دهم شما در خلوت
گناهان عظیم میکردید و بحضور مردم برخلاف آن میکردید از مردم هیبت میکردید و از من هیبت نمیکردید مردم را
تعظیم میکردید و مرا نمیکردید فعلی [illegible] برای مردم ترک میکردید و برای من ترک نمیکردید امروز میچشانم شما را
عذاب الیم و محروم داشتم شما را از ثواب و فرموده که برای استهزا کنندگان با مردم دری بسوی بهشت
گشاده شود و گفته شود یکی از اینها برای خروج از دوزخ و او با کرب و محنت آید چون نزدیک در رسد در را
بند کرده شود و همیشه همچنین شده باشد تا آنکه چون دروازه گشاده شود و گفته شود که بیا از ناامیدی نیاید
و در حق چند کس در احادیث وارد شده فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ یعنی باید که خانه خود در دوزخ
سازد و کسی که بر پیغمبر صلی الله علیه وسلم دانسته دروغ بندد و کسی که دعوی دروغ کند و کسیکه شهادت
دروغ دهد و کسیکه قسم دروغ خورده مال برادر مسلمان خورد و کسیکه دوست دارد آنکه مردم پیش او استاده
باشند و در حدیث وارد شده که گناهگاران سوای امت محمد صلی الله علیه وسلم در دوزخ انداخته شوند
روهای شان سیاه شود و قیدهای آهنی در پا و طوقها در گردن آنها باشد و گناهگاران امت محمدی صلی الله علیه
وسلم اگر در دوزخ انداخته شوند روهای شان سیاه نباشد و نه قید در پا و نه طوق در گردن آنها را دیده
مالک گوید که از شما خوب روتر بر من وارد نشده است شما از کدام امت هستید گویند ما از امت قرآن
هستیم از امیر المومنین علی و ابی هریره رضی الله عنهما مرویست که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که اهل کبائر
از موحدان که بدون توبه مرده باشند هر که از انها داخل دوزخ شود چشمهای شان ازرق نشود و روهای
شان سیاه نباشد و با شیاطین در یک زنجیر کرده شوند و طوق در گردن و زنجیر در پا کرده شوند و حمیم نخورانیده
شوند و قطران نپوشانیده شوند و خلود در آتش آنها را نباشد و صورتهای شان بر آتش حرام کرده بسبب سجود

بعضی آنهارا آتش باشد تا قدم و بعضی را تا پاشنه و بعضی را تا ران و بعضی را تا کمر و بعضی را تا گردن
بقدر گناهان شان بعضی از آنها یک ساعت و بعضی یکروز یعنی بقدر یکروز دنیا و بعضی یکماه و بعضی یکسال
در دوزخ باشند بعد ازان ازان خارج کرده شوند و درازتر مدت ماندن شان در دوزخ مثل عمر دنیا باشد یعنی هفت هزار سال
فصل چون خواهد که حق تعالی آنهارا از دوزخ برارد یهود و نصاری و بت پرستان وغیره اهل ادیان
باطله مومنان را گویند که ما و شما در دوزخ برابریم یعنی ایمان شما چه فائده کرد حق تعالی در غضب آید
و مومنان را از دوزخ برارد و بسوی چشمه که درمیان بهشت ست بیفگند پس آنها مانند سبزه برویند
پس داخل بهشت شوند و بر پیشانی شان نوشته باشد ... بعد مدتی آن نوشته محو شود
پس حق تعالی فرشتگان را بفرستد باز درهای دوزخ بر کسانیکه باقی مانده اند اغاربند کنند و میخهای آتشی
بر آنها زنند و احمد از ابی هریره آورده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم ... الله تعالی بروز قیامت
بر کسانیکه عمل نیک گاهی نکرده اند پس برارد آنهارا از دوزخ بعد سوخته شدن پس داخل بهشت کند برحمت
خود بعد شفاعت شفاعت کنندگان و بزار از ابن عمر روایت کرده که گفت بر آتش وقتی آید که بادها درها
آنرا در حرکت درارد و کسی دران نباشد شیخ محی الدین عربی از حدیث موقوف میگوید که بعد مدتهای دراز
در دوزخ کفار هم باقی نمانند و مراد از خلود آنها مکث طویل ست لیکن این قول مخالف نصوص قطعیه و اجماع
و علما این حدیث را تاویل میکنند میگویند که جای عاصیان مومنان که طبقه علیاست از دوزخ خالی شود
و کسی از موحدان دران نماند طبرانی از انس و از جابر بسند صحیح آورده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
که مردان از امت من بسبب گناهان عذاب کرده شوند تا وقتیکه خدا خواهد پس تعار دهند آنهارا کفار که
شمارا تصدیق رسول هیچ نفع نکرد پس حق تعالی بفرماید که برارند هر کرا که باشد مسلمان آنزمان کافران
آرزو کنند که کاشکی مسلمان بودمی آنحضرت این آیت خواند رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا
مُسْلِمِينَ حاصل آنکه مسلمانان را در دوزخ خلود نباشد رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که هر که
لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰه گوید و برهمین اعتقاد بمیرد البته داخل بهشت شود ابوذر گفت که اگرچه زنا
کرده یا سرقه کرده باشد آنحضرت فرمود اگرچه زنا و سرقه کرده باشد باز ابوذر همان گفته باز آنحضرت

همان فرموده و در تنبیه سوم گفته کل ذلک رغم انف ابی ذر و فرموده هرکه بمیرد در حالیکه شرک کرده باشد داخل بهشت شود و هرکه بمیرد مشرک باشد داخل دوزخ شود احادیث درین باب بسیار اند زیاده از حد تواتر و در بعضی احادیث وارد شده که هرکه شهادت دهد بتوحید و برسالت محمد صلی الله علیه وسلم حق تعالی آتش دوزخ بروی حرام کرده مراد آنست که آتش مؤبده و خلود در دوزخ بروی حرامست بدلیل دیگر احادیث که در عذاب گناهگاران از مسلمین وارد شده و آنچه ابن حبان از ابی هریره روایت کرده که آنحضرت فرموده که هرکه لا اله الا الله گفت نفع خواهد کرد او را روزی از دهر پیش ازان آنچه او را رسد دیده ... و حاکم از انس روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که حق تعالی بفرماید که از آتش برارید کسی را که روزی مرا یاد کرده و جائی از من ترسیده باشد

فصل در صحیحین از ابن عمر مرویست چون بهشتیان تمام داخل بهشت شوند و همه دوزخیان یعنی کفار در دوزخ مانند استاده شود بانگ دهنده درمیان شان و آواز کند ای اهل دوزخ موت نیست وای اهل بهشت موت نیست هریک در آنچه هست همیشه باشد و هم در صحیحین است از ابن عمر و ابی سعید خذری که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که وقتیکه همه بهشتیان در بهشت شوند و دوزخیان در دوزخ مانند موت را بصورت کبش سیاه درمیان دوزخ و بهشت آورده شود و گفته شود ای اهل بهشت وای اهل دوزخ موت را میشناسید هریک گردن دراز کند و ببیند و گوید آری این موتست پس او را ذبح کرده شود و گفته شود ای اهل بهشت خلود است وای اهل دوزخ خلود است موت نباشد رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که اگر اهل دوزخ را گفته شود که شما در دوزخ باشید عدد سنگریزهٔ دنیا هر آینه خوش شوند و اگر اهل بهشت را گفته شود که شما در بهشت باشید عدد سنگریزهٔ دنیا هر آینه غمگین شوند لیکن بر ایشان خلود است ابداً از ابن مسعود مرویست که چون باقی ماند کسیکه در دوزخ مخلد باشد آنها را در صندوقهای آهنی کرده در آن میخهای آهنی زده و آن صندوقها را در صندوقهای دیگر آهنی کرده انداخته شوند باپایین ترین دوزخ پس هریک ازانها داند که غیر او کسی دیگر در عذاب نیست و هم از ابن مسعود مرویست که منافقان را در صندوقهای آهنی کرده در تنگ اسفل دوزخ در تنور ها تنگ تر از میخ کوفته شود و تیره کرده شود آنرا جب الحزن گویند

ان فاکی آلوده شدن یعنی ابی ذر کرهٔ ... ای بدلیل ... ابن حبان ...

باب پنجم در صفت جنت و در دخول بهشت و نعمتهای بهشت

دخول بهشت محض بفضل خداست جل و علا در صحیحین از عایشه صدیقه مرویست که رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم محکم گیرید کار خود را و نزدیکی جوئید بخدا و خوش باشید بدرستی که داخل بهشت نخواهد کرد کسی را
عمل او گفتند یا رسول الله و نه ترا فرمود و نه مرا مگر آنکه بپوشد مرا حق تعالی بمغفرت و رحمت خود و در
صحیح مسلم از جابر مرویست که آنحضرت فرموده که داخل بهشت نخواهد کرد کسی را عمل او و نه خلاص خواهد کرد
کسی را از دوزخ عمل او و نه مرا مگر رحمت از خدا اینچنین در احادیث بسیار آمده و این سخن مشکل میشود
بقوله تعالی ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ یعنی داخل شوید بهشت را بسبب اعمال خود جواب داده میشود
بدانکه اصل دخول جنت و خلود در ان بفضل خداست چراکه خلود غیر متناهی ست و اعمال متناهی ست و
تفاوت درجات جنت بسبب اعمال ست هناد از ابن مسعود روایت کرده که خواهند گذشت مردم
از صراط بعفو خدا و داخل بهشت خواهند شد برحمت خدا و تقسیم خواهند کرد منازل را در بهشت باعمال
خود فقیر گوید که چون حق سبحانه تعالی اعمال محقر بندگان را برحمت خود قبول فرموده و جزای اعمال محقر
متناهی را دخول جنت و ثواب غیر متناهی مقرر فرموده بعد ازان اگر گفته شود که دخول جنت جزای اعمال است
گنجایش دارد و اگر گفته شود که دخول جنت برحمت خداست هم گنجایش دارد طبرانی و بیهقی از سلمان
فارسی از آنحضرت روایت کرده که هر کسی را حکم شود بدخول جنت چیهی از حضور عنایت شود با این عبارت
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ هٰذَا كِتَابٌ مِّنَ اللهِ الْعَزِيْزِ الْحَكِيْمِ لِفُلَانٍ اَدْخِلُوْهُ جَنَّةً
عَالِيَةً قُطُوْفُهَا دَانِيَةٌ یعنی این خط از الله عزیز حکیم ست برای فلان که او را داخل کنید بهشت عالی را
که ثمره آن نزدیک ست و چون مردم داخل بهشت شوند خازنان بهشت گویند سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ
فَادْخُلُوْهَا خَالِدِيْنَ و از هر در فرشته بیایند و بگویند سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ
عُقْبَى الدَّارِ بهشتیان گویند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ صَدَقَنَا وَعْدَهٗ وَاَوْرَثَنَا الْاَرْضَ نَتَبَوَّاُ
مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ و بگویند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ هَدٰنَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ

لولا ان هدانا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق و بگویند الحمد لله الذی اذهب عنا
الحزن ان ربنا لغفور شکور و چون مردم داخل بهشت شوند اول طعام شان زیادت جگر ماهی باشد
فصل در صفت جنت وعده آن حق تعالی در قرآن میفرماید و لمن خاف مقام ربه جنتان
و باز فرموده و من دونهما جنتان یعنی هر که خوف کند از استادن پیش پروردگار خود
برای آنها دو بهشت ست و پایین تر از آنها دو بهشت دیگر اند در صحیحین و غیرهما از ابی موسی اشعری مرویست
که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که بهشت چهار اند دو از نقره است عمارتها و آنچه در آنست از نقره است
و دو از زر ست عمارتها و آنچه در آنست از زر ست و نیست در میان قوم و رویت خدا مگر پرده کبریا در جنت
عدن دو بهشت از برای سابقین ست و دو بهشت نقره برای تابعین ست و بروایتی برای اصحاب یمین
قرطبی گفته بعضی علما گفته اند جنات هفت اند دار الجلال دار السلام دار الخلد جنت عدن
جنة الماوی جنت نعیم فردوس و بعضی علما گفته اند که چهار اند چنانچه حدیث ابی موسی دلالت دارد
و از سیاق سوره رحمن مستفاد میشود و این همه نامها هر چهار بهشت راست و در بهشت درجات و
منازل بیشمار اند در صحیحین از ابی هریره مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم هر که ایمان آورد بخدا
و رسول او صلی الله علیه و سلم و نماز گزارد و زکات دهد روزه رمضان گزارد حق ست بر خدا که او را داخل
بهشت کند در راه خدا جهاد کند یا در خانه خود نشسته باشد یعنی فرایض ادا کند و جهاد فرض عین نیست غالباً
مردم گفتند یا رسول الله خبر نمیدهی مردم را بدان فرمود که در بهشت صد درجه است که مهیا کرده است حق تعالی
آن درجات را برای مجاهدین فی سبیل الله میان هر درجه آنقدر تفاوت است که در میان آسمان و زمینست
پس چون سوال کنید از حق تعالی سوال کنید فردوس را که بهتر جنت ست و بالای آن عرش رحمن است و
از انجا نهرهای بهشت میشگافد ازین حدیث معلوم میشود که صد درجه مجاهدین فی سبیل الله راست
و برای دیگر اهل حسنات دیگر درجات باشند و در دیگر احادیث آمده از معاذ و عباده بن الصامت
رضی الله عنهما که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم بهشت را صد درجه است میان هر دو درجه باشند
تفاوت آسمان و زمین ست و فردوس اعلی از همه است شاید که مراد ازین احادیث درجات مجاهدین باشد

فبای الاء ربکما تکذبان ۵ گروه
منکران آمده ... پروردگار ... ۵ همه ستایش
خدای راست ... آمرزنده قدر شناس
تفسیر الرحمن ۱۲

و در حدیثی آمده که هرکه یک تیر بسوی دشمن خدا انداز د حق تعالی درجهٔ او بلند کند در میان دو درجه صد ساله راه باشد
و در حدیثی آمده که در بهشت صد درجه است میان هر دو درجه تفاوت آسمان و زمین ست و در درجهٔ اول خانها
و تختها و درها و دیوارها و قفلها از نقره است و در درجهٔ ثانیه آن همه از زر ست و در درجه سوم همه آن از یاقوت
و مروارید و زبرجد ست و نود و هفت درجه بقسمی ست که نمیداند آنرا جز حق تعالی و مسلم از ابی هریره روایت
کرده که آنحضرت فرمود آیا خبر دار نکنم شما را بر آنچه دور کند خطایا و بلند کند درجات گفتند بلی فرمود اسباغ
وضو بر مکاره یعنی در حالت ناخوش آمدن استعمال آب وضو بخوبی کند و دور رفتن بمسجد ها و انتظار نماز بعد نماز
همین ست رباط[1] و بیهقی از عایشه روایت کرده که آنحضرت فرمود که درجات بهشت بعدد آیتهای قرآن است
پس هرکه داخل شود در بهشت از اهل قرآن بالای او درجه نباشد یعنی هرکه تمام برکات قرآن گیرد تمام درجات
را در گیرد این حدیث را بر آن حمل نباید کرد که درجات بهشت شش هزار و ششصد و شصت و شش ست
بعدد آیات قرآن بلکه حمل بر آن باید کرد که هر قدر که آیات قرآن را تکرار کند برای او درجات بهشت بیفزاید
اصحاب سنن و ابن حبان از ابن عمر روایت کرده که آنحضرت فرمود صاحب قرآن را گفته شود که قرآن بخوان
و ترقی کن و ترتیل کن چنانچه ترتیل میکردی در دنیا و در حدیثی آمده که مردی در بهشت نظر بفوق کند نوری
از فوق درخشد که بصر او را خیره کند بگوید که این چیست گفته شود که این نور برادر تست فلان گوید که من و
او در دنیا باهم بودیم و عمل میکردیم و اینقدر او را بر من فضل چرا شد گفته شود که او از تو در عمل افضل بود
حق تعالی در دل او رضا داد حسد نکند و در حدیثی سبب افضلیت مذکور شده که آنها گرسنگی کشیده‌اند
و شما سیر بودید و آنها تشنگی بر داشتند و شما سیراب میشدید و آنها شبها بیداری میکردند و شما خواب
میکردید و در حدیثی آمده که نزد خدا درجه ایست که تا آنجا بعمل نتوان رسید حق تعالی بنده را ابتلا کند
تا آنجا رسد و آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که در بهشت درجه ایست که نمیرسد آنرا مگر اصحاب هموم و در موضع
در بهشت درجه ایست که نرسد آنرا مگر سه کس بادشاه عادل و ذو رحم وصل کننده و عیالدار صابر

فصل حق تعالی میفرماید وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ
وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ ط یعنی کسانیکه ایمان آوردند یعنی ایمان کامل و تبعیت کرد ایشانرا

[1] [illegible] منتخب اللغات

اولاد آنها بایمان یعنی آنها مومن هم هستند لاحق کنیم با آنها اولاد آنها را و از عمل شان چیزی کم نکنیم
آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که حق تعالی ذریت مسلمان را بدرجهٔ او رساند برای سردی چشم او
و در حدیثی آمده که چون مردی داخل بهشت شود از مادر و پدر و فرزندان خود بپرسد گفته شود که آنها بدرجهٔ
تو نرسیده اند و مثل تو عمل نکرده اند گوید ای پروردگار من انچه عمل کرده ام برای خود و برای آنها کرده ام
پس امر شود بالحاق آنها و فرموده که هر که بلندی درجات خواهد باید که عفو کند کسی را که بروی ظلم کرده
و بدهد کسی را که او را محروم کرده و وصل کند با کسی که از وی قطع کند و فرموده هر که برساند بسوی بادشاه
برادری را برای جلب نفع یا دفع ضرر خدا درجات او بلند کند و فرموده که هر که کهانت کند یا فال از پرنده
گیرد و از سفر باز ماند بدرجات بلند نرسد و ابراهیم تیمی گفته که شخص هر قدر که در دنیا از طعام یا شراب
حظ بردارد در آخرت درجهٔ او کم شود فقیر گوید که این قول محمول بر اسراف ست و گرنه در حدیث آمده
الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ كَالصَّائِمِ الصَّابِرِ ابن عمر گفته که شخصی با غلام خود داخل بهشت شود و درجهٔ غلام
بلند باشد بگوید ای پروردگار این غلام من بود در دنیا گفته شود که این ذکر خدا بیشتر از تو کرد طبرانی از
ابی هریره روایت کرده که آنحضرت فرموده که روز قیامت حق تعالی ندا کند که من نسب مقرر کرده بودم
و شما نسب دیگر گفتید من متقی را اکرم ساختم و شما اینمعنی نه پسندیدید و گفتید که فلان بن فلان از فلان
بن فلان بهترست امروز نسب مقرر کردهٔ خود را بلند کنم و نسبت شما را پست سازم متقیان کجا اند یعنی
مرتبهٔ متقیان بقدر تقوی بلند شود در حدیثی آمده که دو دو کس در راه خدا هم صحبت باشند و اعمال صالحه کنند
غنی و فقیر صحیح و مریض حر و مملوک نیک خلق و بد خلق حق تعالی مرتبهٔ صحیح بر مریض و حر بر مملوک و
غنی بر فقیر و نیک خلق بر بد خلق برتر کند فقیر و مریض و مملوک و بد خلق گویند الهی ما باهم در راه تو هم صحبت
بودیم و عمل صالح میکردیم اینها را بر ما چرا فضیلت دادی گفته شود که غنی مال خود در راه خدا خرج کرده است
و صحیح و حر از مریض و مملوک در اعمال صالحه زیادتی کرده اند و نیک خلق را بسبب حسن خلق فضیلت شده
فقیر گوید که الهی اگر مرا مال میدادی من هم در راه تو خرج میکردم و مریض و مملوک گویند الهی اگر مرا صحیح و حر میکردی همچنان
عمل میکردم حق تعالی فرماید که راست گفته اید پس فقیر را برابر غنی و مریض را برابر صحیح و مملوک را برابر حر مرتبه داده شود و بد خلق هیچ جواب نیابد

فصل بهشت را هشت دروازه باشد نمازیان را از باب الصلوة و صائمان را از باب الصوم و صدقه دهندگان را از باب الصدقه و مجاهدان را از باب الجهاد طلبیده شود ابوبکر گفته یا رسول الله از هر دری که طلبیده شود خوب ست لیکن کسی باشد که از همه دروازها او را طلبیده شود فرمود امید دارم که تو از آن مردم باشی قرطبی گفته از همه درها طلبیدن بنابر اکرام ست در حدیثی آمده که انسان هر عمل که بیشتر کند بهمان در طلبیده شود در حدیث آمده که هر که بعد وضو أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ گوید هشت دروازه بهشت برای او گشاده شود از هر چه خواهد داخل شود و فرموده که هر که نماز پنجگانه و روزهٔ رمضان کند و زکات دهد و از هفت کبیره پرهیزد هشت دروازهٔ بهشت برای او گشاده شود و بشارت بگشادن هشت دروازهٔ بهشت وارد شده در حق کسی که سه فرزند طفل او را مرده باشند و در حق کسی که تشنه را آب دهد و گرسنه را از طعام سیر کند و در حق زنی که تقوی کند و محافظت فرج خود و متابعت زوج خود کند و در حق کسی که چهل حدیث یاد کند که بدیشان نفع دهد در حق کسی که او را دو دختر یا دو خواهر یا دو عمه باشند آنها را پرورش کند

فصل رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که دیوارهای بهشت را خشتی از زر و خشتی از سیم بجای گل مشک باشد و سنگریزهای آن مروارید و یاقوت و خاک آن زعفران هر که داخل بهشت شود همیشه خوش باشد ناخوش نشود و همیشه باشد هرگز نمیرد و پارچه او کهنه نشود و جوانی او زائل نگردد و نهرهای بهشت در غار نروند بالای زمین روند در میان دو بازوی دروازهٔ بهشت چهل ساله راه باشد روزی چنان ازدحام شود که مردم پهلو به پهلو زنند و تنگ باشند و در صحیحین ست که داخل بهشت شوند از امت من هفتاد هزار یا هفت لک راوی شک کرده داخل شوند برابر دست بدست گرفته روی شان مانند ماه شب چهاردهم باشد

فصل در بهشت غرفها باشند بلند از جواهر شفاف که ظاهر آن از باطن و باطن آن از ظاهر دیده شود اهل بهشت اهل غرفها را بینند بالای خود چنانچه ستارهٔ دور در افق مشرق یا مغرب دیده شود برای تفاضل که در میان شان باشد گفتند یا رسول الله آن منازل انبیا را باشد دیگران تا آنجا نرسند فرمود قسم [illegible] آن منازل مردان را باشد که ایمان آورده باشند به خدا و تصدیق کرده باشند پیغمبر

و در حدیثی آمده که غرفها برای کسانی باشد که با هر کس کلام نیکو بنرمی گویند و مردم را طعام خورانند و شبها
نماز گزارند در حالیکه مردم خفته باشند و در حدیثی آمده و با هر یک سلام گویند و در حدیثی آمده روزه
متصل دارند و در حدیثی آمده کسی که برادر مومن را سلام گوید و سلام دهنده را جواب سلام گوید او گویا
افشای سلام کرده و کسیکه اهل و عیال خود را از طعام سیر کرده پس اطعام طعام کرده و هر که ماه رمضان
و سه روز از هر ماه روزه داشت گویا همیشه روزه داشت و هر که نماز عشا و فجر بجماعت خواند او نماز خوانده
در شب در حالیکه مردم یعنی کافران در خواب باشند این سخن رسول کریم فرمود مردی را که گفت یا رسول الله
که را طاقت ست که افشای سلام و اطعام طعام و دوام صیام و قیام لیل کند والنّاس نیام و حاصل آنکه
اگر زیاده طاقت نباشد اینقدر هم کافی ست اگر فضل الهی شامل حال ست و در حدیثی آمده که حق تعالی غرفهای
بهشت مهیا کرده است برای کسانیکه برای خدا دوستی دارند و ملاقاتها نمایند و آنچه خرج کنند برای خدا کنند
در حدیثی آمده که غرفهای بهشت را نه علاقه باشد از فوق و نه ستون باشند از تحت مردم گفتند
پس چگونه آنجا رسند فرمود مانند پرنده پریده رسنده باشند آن غرفها صاحب بیماریها و صاحب درد و بلا را
و از عمران بن حصین و ابی هریره مرویست که از آنحضرت احوال مَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ
پرسیده شد فرمود قصر باشد از مروارید در آن قصر هفتاد خانه باشند از یاقوت سرخ در هر خانه هفتاد حجره
باشد از زمرد سبز در هر حجره هفتاد تخت باشند بر هر تخت هفتاد فرش باشد رنگارنگ بر هر فرش زوجه
از حور و در هر حجره هفتاد خوان بر هر خوان هفتاد رنگ طعام و در هر خانه هفتاد غلام و هفتاد کنیز و مسلمان را
قوت جماع آنقدر باشد که با همه زوجات جماع کند در احادیث اعمال صالحه که سبب بنای خانه
در بهشت باشند بسیار مذکور شده اند از آنجمله بنا کردن مسجد و مواظبت بر سنن رواتب و نماز ضحی
و چهارگانه پیش از عصر و ده رکعت خواندن در میان مغرب و عشا و سوره دخان خواندن شب جمعه و
روز جمعه و روزه داشتن چهارشنبه و پنجشنبه جمعه و در حدیث آمده که هر که وقت داخل شدن
بازار گوید أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي
وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ نوشته شود برای او هزار هزار حسنه

و دور کرده شود از وی هزار هزار گناه و بنا کرده شود و یخانه در بهشت و آنحضرت فرموده که هر که ده بار سوره اخلاص خواند یکخانه برای او در بهشت بنا کرده شود و اگر بیست بار خواند دو خانه و اگر سی بار خواند سه خانه عمر گفت یا رسول الله درینصورت بسیار خانها در بهشت کنیم فرمود فضل خدا فراخ ترست طبرانی از حکیم بن محمد روایت کرده که بسبب ذکر خدا بنا در بهشت میشود چون شخص از ذکر بند میشود از بنا کردن بند میشوند پس گفته شود آنهارا که چرا باز ماندید از بنا گویند تا که مارا نفقه رسد و همچنین از علی بن ابونعیم روایت کرده و در حدیثی آمده هر کرا پسر مرد و او صبر کرد و حمد گفت و انا لله و انا الیه راجعون گفت حکم شود که بنا کنند برای بنده من خانه در بهشت و نام نهند آن خانه را بیت الحمد و فرمود که هر که در صف نماز یا صف قتال فرجه بند کند ... او بلند کند و بنا کند برای او خانه در بهشت و فرمود هر که دروغگوئی ترک کند خانه او در بهشت بنا شود و هر که ترک کند جدال و او محق باشد بنا کند خدا برای او خانه در میانه بهشت و هر کرا خلق حسن باشد در اعلی بهشت خانه او باشد و فرمود هر که در رمضان نماز خواند بهر سجده هزار حسنه نوشته شود و خانه در بهشت بنا شود از یاقوت سرخ و فرمود هر که قبر مسلمانی کند خانه او در بهشت بنا شود

فصل بوی بهشت از پانصد ساله راه رسد و در بعضی احادیث آمده از هفتاد ساله راه و در بعضی پانصد و هفتاد ساله راه و در حدیثی آمده از هزار ساله راه رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که هر که ذمی را کشت او را بوی بهشت نرسد و همچنین وارد شده در حق کسی که رعیت خود را رعایت و پرورش نکند و در حق کسی که خود را بغیر پدر خود نسبت کند و در حق کسی که منت نهد بعمل خود و کسیکه نافرمانی والدین کند و کسی که مدمن خمر باشد و کسیکه قطع رحم کند و کسیکه در پیری زنا کند و کسیکه بتکبر ازار خود بر زمین کشد و کسیکه خضاب سیاه کند و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم مردی که مردود دل او مقدار دانه خردل کبر باشد حلال نیست او را که بوی بهشت رسد یا بهشت را ببیند

فصل در صحیحین از ابی هریره مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که درختان بهشت آنچنان باشند که اگر در سایه او سوار صد ساله راه رود سایه او را قطع نکند و ترمذی از اسماء بنت ابی بکر از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که در ذکر سدرة المنتهی فرموده که سیر کند سوار در سایه یک شاخ وی صد سال را

دوران پردانهای زر باشند و ثمر آن مثل قلتها باشند و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم طوبی درخت
صد ساله راه یا رچه پوشاک بهشتیان از آن برآید و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم درختی در بهشت باشد
مگر آنکه تنه او از زر باشد و از ابن عباس مرویست که نخله بهشت را تنه زمرد سبز و شاخهای آن طلای سرخ
و برگ آن پوشاک اهل بهشت قطعی و هم حللها و ثمر آن مثل قلۀ سفید از شیر و شیرین تر از عسل و نرم
از زبد و نباشد او را هسته سلمان فارسی رضی الله عنه چوبی خرد در دست گرفت و گفت اگر در بهشت
اینقدر چوب طلب کنی نیابی مردم گفتند که آنجا نخل و شجر باشد فرمود که بیخ و تنه آن از مروارید و زر باشد
و بالای آن ثمر باشد یک اعرابی از آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت یا رسول الله در بهشت درختی مذکور شده که
ایذا اسکند صاحب خود را فرمود آن چیست گفت سدره فرمود حق تعالی فرماید فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ
یعنی قطع کرده شده قطع کند حق تعالی خار او را بجای هر خار ثمره باشد از هر ثمره هفتاد و دو رنگ برآید که
متشابه یکدیگر نباشد و ثمره درختان بقسمی باشد که استاده و نشسته و بر زمین خفته بهر حال میوه آن گرفت
مجاهد رضی الله عنه گفته که زمین بهشت از نقره باشد و خاک او از مشک و درختان از زر و نقره و شاخها
از مروارید و زمرد و ثمرها بقسمی که استاده و نشسته و خفته آن را گیرد و مسروق رضی الله عنه گفته که ثمره
جنت هرگاه شکسته شود بجای آن دیگر قائم شود و ابی هریره گفته که سدره بهشت را طوبی گویند حق تعالی
بفرماید بشگافد برای بنده صالح من هر چه خواهد پس بشگافد از آن اسب مع زین و لگام چنانچه خواهد و برآید
شتر با رحل و مهار بقسمی که خواهد برآید یا رچه آنچه خواهد و در احادیث وارد شده که هر که سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ
گوید برای او درختی در بهشت نشانده شود رسول صلی الله علیه وسلم ابوهریره رضی الله عنه را دید که
درختی می نشاند فرمود که دلالت کنم من ترا بر درختی بهتر ازین گفت آن چیست فرمود سُبْحَانَ اللهِ
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ بهر کلمه ازین درختی برای تو نشانیده شود رسول صلی الله
علیه وسلم ابراهیم علیه السلام را در خواب دید گفت یا محمد امت خود را از من سلام بگو و خبر ده که بهشت خوش
خاک است و شیرین آب و آن ایی درخت است درختهای آن لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ اِلَّا ... [illegible]

درختی در بهشت نشانده شود و ابن عباس رضی الله عنه گفته که هر که برای کار نیک رود بر وجانوران
یمین در یا رحمت فرستند و بهر قدم در بهشت درختی نشانده شود و گناهان او بخشیده شود حق تعالی
میفرماید فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ و وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ و وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ لَا مَقْطُوعَةٍ
وَلَا مَمْنُوعَةٍ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ و ابن عباس رضی الله عنه
گفته که در دنیا از ثمرهای بهشت نیست مگر نام و گفته هر چه در دنیا از ثمره هست شیرین و تلخ تا که حنظل در بهشت هم هست
یعنی صورتها هر یک فنا میها در بهشت باشند لیکن در حقیقت و لذت چیز دیگر باشد و ثمره بهشت را دوازده گز طول باشد و خستهٔ نباشد
فصل حق تعالی میفرماید وَأَمْدَدْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
بدرستیکه تو بینی پرنده در بهشت و رغبت کنی در خوردن آن بیفتد پیش تو بریان شده و ابی امامه گفته
مردی در بهشت رغبت طیری کند افتد پیش او مثل شتر بختی رسیده بوی دود و نه آتش پستر از ان بخورد
تا که سیر شود باز آن پرنده بپرد رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که اهل بهشت طعام خورند و بنوشند و بول نکنند
و آب و بینی بینداز ند طعامیکه خورند از آروغ و عرق بیرون رود بوی آن مثل بوی مشک
باشد و فرمود مردی را در بهشت در خوردن و نوشیدن و جماع کردن قوت صد مرد باشد
فرمود که مومنان را از طرف خدا هدایا آیند در اوقاتی که نمازها میخواندند و فرشتگان بر ایشان سلام گویند
فصل در بهشت نهرها باشد از آب و از شیر که متغیر نشود و از خمر و از عسل و چشمه باشد سلسبیل نام که
شدید الجریان باشد و چشمه باشد کافور نام و چشمه باشد زنجبیل نام و چشمه باشد تسنیم نام که بهترین
شرابهای بهشت است صرف از ان مقربان خورند و دیگران را از ان خلطی شود حق تعالی میفرماید وَ
مِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که
نهرهای بهشت از کوه مشک بر آیند و فرموده که نهرهای بهشت در غار نرود بر روی زمین روند و کنارهای
شان از مروارید و خاک آن از مشک باشد و از ابن عباس رضی الله عنه مرویست که در بهشت
نهریست که آنرا بیدخ گویند بر وی قبها باشند از یاقوت زیر آن دختران باشند رویده مردم
برای سیر آنجا آیند و آن دختران ببینند اگر دختری کسی را خوش آید دست زند و بوی رساند

آن دختر همراه او شود و بجای او دختری دیگر بروید و در حق نهرهای بهشت حق تعالی میفرماید
يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا یعنی اهل بهشت هرجا که خواهند آن نهرها را آنجا برند با اهل بهشت قضیبها (شاخ درخت ۱۲) باشند
از زر از آن قضیبها اشاره کنند همراه آن قضیبها نهرها جاری شوند احمد از ابی سعید خدری روایت کرده
که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که هر که مسلمانرا در تشنگی آب خوراند حق تعالی او را از رحیق مختوم بنوشاند
و رحیق مختوم عبارت از خمریست که در آخر آن لذت و بوی مشک باشد و از خمر بهشت صداع نشود
چنانچه در قرآنست و عقل زائل نگردد و چون اهل بهشت را رغبت شراب شود بدست او آنقدر داده شود
که نه زیاده باشد از خواهش او نه کم و فرمود که هر که در دنیا خمر خورد و توبه نکند در آخرت ازان محروم باشد
اگرچه داخل بهشت شود و فرموده که هر که خمر خورد در دنیا یا بچه صغیر را خورانید او را حق تعالی حمیم جهنم
خوراند و هر که بخوف خدا خمر را ترک دهد با وجود قدرت بران او را در حظیرة القدس (مکان پاک ۱۲) خورانیده شود و در حدیث
وارد شده که در بهشت درخت باشد که ازان لباس بهشتیان برآید اگر خواهد سفید و اگر خواهد سرخ و اگر خواهد
سبز و اگر خواهد سیاه و اگر خواهد زرد و باریکتر و خوبتر ابن ابی حاتم از کعب احبار آورده که اگر پارچه بهشت را کسی
در دنیا پوشد چشمها دیدن آنرا متحمل نشوند هر که آنرا ببیند بیهوش شود و بمیرد و صاحب لئالی از عکرمه روایت کرده
که لباس بهشتی در یک ساعت هفتاد رنگ تبدیل شود و در صحیحین مرویست که آنحضرت فرموده هر که حریر در دنیا بپوشد
در آخرت نپوشد اگرچه داخل بهشت شود و فرموده که هر که در دنیا در ظرف زر یا نقره خورد در آخرت ازان نخورد

فصل در صحیحین است که مومن را از زیور پوشانیده شود تا جائیکه آب وضو آنجا رسیده و حاکم و ترمذی و غیره
از آنحضرت صلی الله علیه وسلم آورده که بهشتیان را تاج باشد که ادنی مروارید آن مابین مشرق و مغرب را روشن سازد
و آنحضرت فرموده که هر که مرده را کفن دهد او را از سندس و استبرق بهشت پوشانیده شود و فرموده هر که
مصیبت زده را تعزیت کند حق تعالی او را دو حله پوشاند که تمام دنیا بقیمت آن نرسد و فرموده هر که
ترک لباس زینت کند بتواضع با وجود قدرت حق تعالی او را بر سر خلائق طلب کند و مختار سازد از حلهای
ایمان هرچه خواهد بپوشد مفسران گفته اند که کسی از اهل بهشت نباشد مگر آنکه او را سه دست بند باشد
یکی از زر دوم از نقره سوم از مروارید از کعب احبار مرویست که حق تعالی فرشته پیدا کرده است که از روز

پیدایش خود تا روز قیامت زیور بهشتیان تیار میکند از سعید بن جبیر در تفسیر قوله تعالی بَطَائِنُهَا
مِنْ إِسْتَبْرَقٍ یعنی فرشهای بهشتیان را استر از استبرق باشد مرویست که گفته که ظواهر آن یعنی ابره های شان از نور جامد باشد
فصل مُتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ یعنی تکیه زده بر اریکها بنشینند اریکه را در هندی چهپرکهت گویند
که در زیر آن تخت یعنی چهارپائی باشد و بالای آن حجله باشد مجاهد گفته اریکها باشند از مروارید و یاقوت
وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ یعنی تکیها باهم صف بسته از ابن عباس مرویست که خیمه از مروارید مجوف باشد
فرسخ در فرسخ چهار هزار تخته از زر در آن باشد مُتَقَابِلِينَ یعنی اهل بهشت رو برو بنشینند بعضی بعضی را
پشت ندهد و در صحیحین از ابی موسی اشعری از آنحضرت صلی الله علیه وسلم مرویست که خیمه یک مروارید مجوف باشد
که شصت کروه عرض آن باشد در هر گوشه از آن اهل خانه باشند برای مومن که دیگر اهل خانه را نبینند و آن مومن بر همه آنها بگذرد
فصل در صحیحین از آنحضرت صلی الله علیه وسلم مرویست که هر کس را در بهشت دو زوجه باشد و ترمذی بسند صحیح از انس
از آنحضرت روایت کرده که تزویج کرده شود مومن هفتاد زوجه گفتند یا رسول الله قوت هفتاد زن داشته باشد
فرمود که قوت صد زن داده شود و ابن عساکر و ابن السکن از حاطب بن ابی بلتعه و احمد و ترمذی از ابی سعید خدری
از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که هفتاد و دو زن باشند هفتاد از خلقت بهشت و دو زن
از اهل دنیا ازین روایت تطبیق هر سه روایت گشته و در بعضی روایات عدد نسا بکثرت بسیار آمده
شاید آن باعتبار بعض اشخاص باشد لیکن درین روایت دو زن از اهل دنیا شبهه پیش می آید که در صحیح است
که آنحضرت زنان را گفت أُرِيتُكُنَّ أَكْثَرَ أَهْلِ النَّارِ یعنی نموده شدم من اکثر اهل دوزخ زنان را زنان گفتند
چرا یا رسول الله فرمود که شما بسیار لعنت میکنید و کفران نعمت شوهران مینمائید و نیز آنحضرت غرابها را
دیدند در آن غرابها یکی بود سفید بازو ها سرخ منقار و سرخ پا فرمود از زنان داخل بهشت نشوند مگر مانند
این غراب از غرابها یعنی بسیار کم و ازین حدیث معلوم میشود که زنان در بهشت از مردان مضاعف باشند
توجیه چنان میتوان کرد که مراد از نفی دخول زنان در بهشت آن باشد که بدون تعذیب داخل بهشت نشوند لیکن
انجام شان به بهشت باشد و مراد أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ دُخُولًا لَا خُلُودًا بدلیل آنکه علت دخول شان
در دوزخ کفر بحد انفرموده بلکه اکثار لعن و کفران شوهر فرموده و محتمل که مراد آن باشد که هر کس را از امت محمدی

دو زن باشند گو از زنان امم سابقه باشند یا طفل مرده باشند از اطفال مومنین یا اطفال کفار و وقت
دخول جنت جوان باشند در نکاح مردان مکلف داده شوند لیکن زنان که در دنیا نماز و روزه کرده اند
از همه بهتر باشند زنان بهشت پاک باشند از حیض و بول و غایط و آب دهن و آب بینی و ولد و منی آنحضرت
صلی الله علیه وسلم فرمود که اگر زنی از زنان بهشت ظاهر شود ما بین آسمان و زمین روشن و خوشبو کند روشنی
آفتاب را بپوشد و دامنی سر او از دنیا و ما فیها بهتر باشد و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که در شب معراج
چون داخل بهشت شدم در موضعی که بیدخ نام دارد در آن خیمه یاقوت و مروارید و زبرجد بود آواز زنان شنیدم
السلام علیک یا رسول الله پرسیدم یا جبرئیل اینچه آواز است گفت این مَقْصُوْرَاتٌ فِی الْخِیَامِ
اند از حق تعالی اذن خواستند که بر تو سلام گویند اذن شد پس آنها گفتند ما زنانیم راضی گاهی ناخوشی
نکنیم و همیشه باشندگان گاهی سفر نکنیم طبرانی از ابی امامه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم
فرموده که حوران بهشت از زعفران مخلوق باشند و ابن مبارک از زید بن اسلم آورده که پیدایش آنها
از مشک و زعفران و کافور باشد از خاک و طبرانی و بیهقی از ام سلمه روایت کرده که آنحضرت فرمود
صلی الله علیه وسلم که زنان دنیا از حوران بهشت در حسن افضل باشند مانند فضل ابره بر استر بسبب نماز و روزه حق تعالی
رویهای شان را نور شد و جسدهای شان را سفیدی و خوبی و مجامر شان از مروارید و شانهای شان از زر باشد ام سلمه
پرسید یا رسول الله زنی در دنیا دو شوهر کند یا سه یا چهار در بهشت کرا باشد فرمود که او را اختیار داده شود
با اختیار کند آنکه بهتر را در اخلاق و همچنین ام حبیبه روایت کرده و ابن سعد از ابی الدرداء روایت کرده که زن آخر
ازواج را باشد و ابن سعد از ابی بکر صدیق رضی الله عنه روایت کرده که اگر زنی را شوهر صالح
مرد و آن زن شوهر دیگر نکرد در بهشت با وی جمع شود حق تعالی میفرماید اِنَّا اَنْشَاْنٰهُنَّ اِنْشَآءً
فَجَعَلْنٰهُنَّ اَبْکَارًا عُرُبًا اَتْرَابًا یعنی حق تعالی زنان دنیا را چون در بهشت داخل خواهد کرد
باکره و عاشقه شوهر خود و همه زنان یک عمر باشند و ترمذی و بیهقی از انس از آنحضرت صلی الله
علیه وسلم روایت کرده که پیرزنان کور چشم و چرکین چشم را حق تعالی جوان ابکار سازد و نیز همچنین ام سلمه
روایت کرده و در دیگر احادیث آمده که اهل بهشت مرد و زن همه بیک عمر باشند سی و سه ساله

حق تعالی میفرماید حُوْرٌ عِیْنٌ یعنی سیاه چشم و کلان چشم کَاَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَکْنُوْنِ
یعنی مانند مروارید در صدف و میفرماید خَیْرَاتٌ حِسَانٌ یعنی نیک خو و خوش رو ابن مبارک از
اوزاعی روایت کرده نیک خو باشند زبان دراز بیهوده گو نباشند رشک یکدیگر نکنند ایذا ندهند
قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ یعنی چشم خود بر ازواج خود کوتاه دارند بسوی دیگری نه بینند و فرموده
کَوَاعِبَ اَتْرَابًا یعنی پستان نوخاسته هم سن ابن ابی الدنیا از انس از آنحضرت صلی الله
علیه وسلم روایت کرده که حور بهشتی اگر در دریای شور آب دهن اندازد تمام دریا شیرین شود بیهقی
از ابن عباس از آن سرور روایت کرده که اهل بهشت را قوت جماع آنقدر باشد که در صبحگاه
با صد زن جماع کند و طبرانی از ابی امامه از آنحضرت روایت کرده که آلات مجامعت مانده نشود
و شهوت منقطع نگردد و بزار وغیره از ابی سعید از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که
اهل بهشت با زنان خود جماع کنند باز زن باکره شود لیکن از جماع در جنت توالد نباشد و اگر
کسی احیانا آرزوی ولد کند حمل و زادن و جوان شدن مولود در یک ساعت دست دهد کذا رواه الترمذی
والبیهقی وغیرهما عنه صلی الله علیه وسلم در حدیثی آمده که مردی با یکی از حوران صحبت داشته باشد
ناگاه نوری از بالا ظاهر شود گمان برد که تجلی حق شده ظاهر شود که حوری ست بهتر از اولی میگوید که ای
ولی خدا آیا مرا با تو نصیبی نیست چندی با وی صحبت دارد باز همچنین دیگری ظاهر شود بهتر از ثانیه
و همچنین و همچنین رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هر که غصه فرو برد با وجود قدرت حق تعالی او را
بر سر خلائق طلب کند و مختار سازد در حوران هر کرا خواهد بگیرد و فرموده که سه چیز اند هر کسی را یکی از آن
باشد او را حور عین داده شود کسی که امانت مخفی بخوف خدا ادا کند و خیانت نکند و کسی که قاتل
خود را بخشد و کسیکه بعد هر نماز سورهٔ اخلاص خواند و فرموده مهر حوران قبضهای خرما و پارچهٔ چپاتی
نان ست یعنی آنچه بدرویشان بدهد و فرموده جاروب کشی مساجد مهر حوران ست و فرموده که بهشت
زینت میگیرد از سالی تا سالی برای ماه رمضان و حوران زینت میگیرند از سالی تا سالی دیگر برای ماه رمضان
چون رمضان داخل شود بهشت گوید الهی بگردان درین ماه از بندگان خود ساکنان در من و حوران

گویند آلهی بگردان از بندگان خود برای ما شوهران که سرد شود چشم ما از انها و چشم آنها از ما و فرمود در بهشت حور باشد عینا هفتاد هزار غلام بر دست راست و همچنین بر دست چپ او راه روند و بگویند کجا باشند امر کنندگان بمعروف و نهی کنندگان از منکر و فرمود که اگر زنی مردی را در دنیا ایذا کند زن او از حوران گوید ایذا مده این را که مهمان ست نزد تو قریب ست که از تو جدا شود بسوی ما آید حوران بهشتی را گفته شود که میخواهید که شوهر خود را ببینید گویند آری آنگاه پردها از میان برداشته شود او را ببینند و اشتیاق ملاقات نمایند

فصل از ابی هریره و ابن عمر و غیره مرویست که حوران بآواز خوش سرود کنند کسی نشنیده باشد مثل آن به تسبیح و تقدیس و حمد و ثنای پروردگار و شکر او تعالی باین الفاظ نحن حور حسان اُهْدِیْنَا لِاَزْوَاجٍ کِرَامٍ وَنَحْنُ الْخَالِدَاتُ فَلَا نَمُوْتُ وَنَحْنُ الرَّاضِیَاتُ فَلَا نَسْخَطُ وَنَحْنُ الْاٰمِنَاتُ فَلَا نَخَافُ وَنَحْنُ الْمُقِیْمَاتُ فَلَا نَظْعَنُ و در حدیث ست که اگر اهل بهشت رغبت سرود کنند بادها را حکم شود که در شاخهای سبز درختان که از مروارید ست در آیند و حرکت دهند بقسمی که آوازها خوش سرایند و درختان را حکم شود که بندگان من که خود را در دنیا از معازف و مزامیر باز داشته بودند آنها را بشنوانند پس آوازهای خوش از درختان به تسبیح و تقدیس بر آید و نیز ملایکه آوازهای خوش به تسبیح و تقدیس گویند و گویند لَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُوْنَ و نیز در حدیث آمده که داود علیه السلام را حکم شود آن حضرت بآواز خوش حمد خداوند و تکلیم در نوادر الاصول از ابی موسی از آنحضرت صلی الله علیه وسلم آورده که فرموده که هرکه در دنیا سرود بشنود او را اذن نشود که آواز روحانیان قرا اهل بهشت بشنود

فصل ظروف در بهشت از زر و از نقره باشند شفاف مثل شیشه قوله تعالی کَانَتْ قَوَارِیْرَا قَوَارِیْرَ مِنْ فِضَّةٍ همین معنی دارد ظرف زر و نقره در دنیا هرچند باریک باشد شفاف نباشد هرکس را از اهل بهشت هفتاد ظرف از زر و نقره پیش آورده شود در هر یک رنگی از طعام باشد که در دیگر نباشد

فصل مردم که داخل بهشت شوند عداوتهای شان که در میان باشد دور شود دبا هم دوست و محب شوند ادنی اهل بهشت را هزار خادم باشد و در حدیثی پنجهزار آمده و در حدیثی ده هزار خادم از ولدان مخلد یعنی امردان که همیشه امرد باشند در قرآن ست که ملائکه در بهشت داخل شوند و بر مومنان سلام گویند

در بهشت کذب و لغو و هزل و دشنام و مانند آن نباشد مردی پرسید یا رسول الله در بهشت اسپ باشد فرمود اگر داخل بهشت شوی هرگاه سوار اسپ خواهی اسپی از یاقوت سرخ را سوار شوی او را پر باشد بپرد با تو و هر جا که خواهی رساند دیگری گفت یا رسول الله شتر باشد فرمود اگر داخل بهشت شوی هر چیز را که دل تو خواهد و چشم ترا لذت دهد مهیا باشد

فصل در بهشت بازار باشد که دران بیع و شرا نیست مگر صورتهای مردان و زنان دران باشند هر صورت که کسی را خوش کند بهمران صورت گردد طبرانی از ابی الدرداء از انحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده در جنت عدن سوای انبیاء و شهدا و صدیقان کسی نباشد و باشد دران انچه دیده کسی ندیده و بخاطر کسی هم نگذشته باشد فقیر گوید که شاید مراد ازین حدیث آن باشد که دران رویت حق تعالی دائمی باشد مسلم از انس از انحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که در بهشت بازار باشد دران تودهای مشک باشند روز جمعه مردم در انجا روند باد شمال برانها وزد مشک بر روهای و بر جامهای شان افشاند حسن و جمال زیاده شود چون نزد اهل خود روند آنها گویند والله شما حسن و جمال زیاده کردید و در احادیث آمده که طیور بهشت مثل شتر بختی باشند چون شخصی قصد خوردن آن کند بر خوان او پیش آید و ازان هر لذت خورد باز آن طائر بپرد و برود در بهشت با هم ملاقاتها کنند بر شترها سوار شده و بر اسپان که نه بول کنند و نه سرگین و ابن ابی الدنیا از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که در بهشت درختی باشد که از بالای آن حلها و از زیر آن اسپان ابلق از زر که زینهای شان و لگامهای شان از مروارید و یاقوت باشد و آنها را پر باشد و آنها قدم نهند جائیکه بصر رسد اولیاء الله بران سوار شوند و بگذرند دیگر مردم که در مرتبه پست باشند بگویند یا الهی اینها کیستند که نور شان نورهای ما را فرو نشانده و نا... کرد اینها در راه خدا انفاق میکردند و شما بخل میکردید و اینها جهاد میکردند و شما می نشستید بیهقی از مجاهد و ابی سلیمان در تفسیر قوله تعالی وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا گفت که ملک کبیر آنست که فرستاده رب العزت تحفها و لطفها بروی آرد و بوی نرسد تا که اذن دخول طلب کند از حاجب و آن حاجب از حاجب دیگر و همچنین ابن افزود که ولی الله بدخول هرگاه آن ولی خواهد بی اذن پروردگار خود مشرف شود فقیر گوید این از انجاست که حق تعالی اقربست از حبل الورید و حجب غفلت درمیان نیست که حضور دائمی دارد

فصل ترمذی و حاکم از بریده روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که اهل بهشت
یکصد و بیست صف باشند از انجمله هشتاد صف از امت من و چهل از دیگر امم دیلمی و ابن عساکر
از جابر روایت کرده که مومنان هر جمعه زیارت حق تعالی کنند حق تعالی بفرماید که بخواهید از من
هر چه خواهید مردم بعلما رجوع کنند که چه چیز درخواست کنیم علما وجوه سوال آموزند پس مردم بعلما
در بهشت هم محتاج باشند و طبرانی و بیهقی و ترمذی از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده
که اهل بهشت بر هیچ چیز حسرت نکنند مگر بر ساعتی که در دنیا در ان ذکر خدا نکرده باشند ابن عساکر از
امیر المومنین علی رضی الله عنه از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که بوی بهشت بر هزار ساله راه
میرسد و بوی بهشت عقوق کننده والدین را و قاطع رحم را و پیر زانی را و کسیکه از تکبر دامن دراز کند نرسد

فصل اهل بهشت در بهشت با برادران و یاران و دوستان ملاقاتها کنند و ماجراهای دنیا یاد کنند
بزار و بیهقی و غیرهما از انس روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که چون بهشتیان
داخل بهشت شوند اشتیاق برادران کنند پس تخت یکی مقابل تخت دیگری آید و باهم سخن گویند
آنچه در دنیا گذشته بود و اهل بهشت دوزخیان را هم به بینند و هر گاه بهشتیان خواهند با پیغمبران
و اصحاب درجات عالی ملاقات نمایند طبرانی و ابونعیم و غیره از عائشه رضی روایت کرده که مردی نزد
پیغمبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت یا رسول الله من ترا از جان خود و اهل و ولد خود دوست تر میدارم
و چون بخانه میروم بی تو صبر نمیتوانم کرد تا که بخدمت می آیم لیکن چون مردن خود و مردن ترا خیال میکنم
می ترسم که تو در بهشت در مقام پیغمبران باشی و من اگر به بهشت رسم ترا نه بینم آنحضرت جواب نداد
تا که جبرئیل نازل شد و این آیت آورد وَمَنْ يُطِعِ اللّٰهَ وَالرَّسُوْلَ فَاُولٰٓئِكَ مَعَ الَّذِيْنَ
اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِّنَ النَّبِيّٖنَ وَالصِّدِّيْقِيْنَ الایة احمد و طبرانی از ابی هریره و معاذ
بن جبل رضی الله عنهما از آنحضرت صلی الله علیه وسلم آورده که هرکه در بهشت شود یعنی در دنیا صغیر باشد
یا کبیر همه شان اجرد باشند یعنی بر تمام بدن شان موی نباشد و امرد باشند یعنی ریش [illegible]
سی و سه ساله باشند یکسان نه کم نه زیاده و در چشم سرمه کشیده و ابن ابی الدنیا از ابن عباس آورده

که در بهشت موسی علیه السلام را ریش باشد تا سینه دیگری را نباشد و از کعب احبار مرویست
که آدم علیه السلام را ریش سیاه تا ناف باشد دیگری را نباشد شاید که هر دو را باشد نه غیر آنها را
و ابن عدی از علی و جابر رضی الله عنهما روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که جمیع اهل بهشت
بنامهای شان گفته شوند مگر آدم علیه السلام را ابو محمد ابو احمد گفته شود صلی الله علیه وسلم و طبرانی
از ابن عباس آورده که زبان اهل بهشت عربی باشد و قرطبی گفته که چون مردم از قبور بر آیند زبان سریانی
باشد و در بهشت زبان عربی باشد و در صحیحین از عمران بن حصین از انحضرت صلی الله علیه وسلم
روایت کرده که دیدم اکثر اهل جنت فقرا و اکثر اهل جهنم زنان و بزار از انس از انحضرت صلی الله علیه
وسلم روایت کرده که اکثر اهل بهشت ابله باشند یعنی غافل از امور دنیا و آگاه از امور آخرت
و ذهبی گفته یعنی سینه صاف و خوش گمان و ازهری گفته غافل از شر و مسلم از ابی هریره از انحضرت
صلی الله علیه وسلم روایت کرده که داخل بهشت شوند جماعتها که دلهای شان مثل دلهای پرندگان
باشد یعنی خائف و گریزان از اختلاط عوام و در صحیحین از ابی سعید خدری از انحضرت صلی الله
علیه وسلم مرویست که حق تعالی اهل بهشت را گوید که شما راضی شدید گویند چرا راضی نشویم که مارا نعمتها
دادی که کسی را از مخلوقات ندادی حق تعالی بفرماید آیا ندادم شمارا انچه ازین همه افضل ست گویند
ازین افضل چه باشد فرماید که از شما راضی شده ام که گاهی ناراض نشوم

فصل بزرگترین نعمتهای بهشت دیدار خداست جل و علا روافض و خوارج و معتزله ازان انکار
دارند اهل سنت و جماعت بدان مهتدی شده اند حق تعالی میفرماید وُجُوهٌ يَّوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ اِلٰى
رَبِّهَا نَاظِرَةٌ و میفرماید لِلَّذِيْنَ اَحْسَنُوا الْحُسْنٰى وَزِيَادَةٌ مراد از حسنی بهشت است و از
زیاده دیدار حق تعالی تفسیر این آیت باین معنی از هر چهار خلفای راشدین و ابی بن کعب و کعب بن عجره
و ابن مردویه و انس و ابوهریره و ابوموسی اشعری و ابن عباس و ابن مسعود وغیره مرویست و رسول
فرمود صلی الله علیه وسلم قریبست که خواهید دید پروردگار خود را روز قیامت چنانچه می بینید ماه را
در شب چهاردهم درحالیکه هیچ حجاب درمیان نباشد و یحیی بن سعید گفته که در رویت حق تعالی

جن نه داخل بهشت شوند و نه داخل دوزخ و همچنین از ابی حنیفه نقل میکنند لیکن حق آنست که مومنان جن را ثواب
و کافران را عذاب خواهد شد قال الله تعالی خطابا للثقلین و لمن خاف مقام ربه جنتان فبای آلاء
ربکما تکذبان و قال لم یطمثهن انس قبلهم و لا جان و قال الله تعالی حکایة عن کلام
الجن و من اسلم فاولئک تحروا رشدا و اما القاسطون فکانوا لجهنم حطبا
و بیهقی از انس از انس رضی الله عنه رسول صلی الله علیه و سلم روایت کرده که مومنان جن را ثواب باشد و بر ایشان عقاب باشد
پس سوال کردیم از ثواب آنها فرمود بر اعراف باشند در بهشت با امت محمد صلی الله علیه و سلم نباشند
پرسیدیم که اعراف چیست فرمود جایی ست بیرون بهشت در ان نهرها جاری اند و درختها و ثمرها و از ابن
وهب مروی ست که پرسیده شد که جن را ثواب باشد گفت آری حق تعالی میفرماید اولئک الذین
حق علیهم القول فی امم قد خلت من قبلهم من الجن و الانس انهم کانوا خاسرین و لکل
درجات مما عملوا و بیهقی از ابن عباس روایت کرده که خلق چهار قسم اند یک خلق تمام در بهشت باشند
و آن ملائکه و یکی تمام در دوزخ و آن شیاطین اند و دو خلق بعضی در بهشت و بعضی در دوزخ و آن جن و انس
و حمزه بن حبیب گفته جن داخل بهشت شوند برای جن جنیات باشند و برای انس انسیات

الحمد لله رب العالمین خالق الجنة و النار
و الصلوة و السلام علی محمد النبی
المختار قسیم الجنة و النار
و علی آله و اصحابه الابرار
الاخیار

ه

تمت

خاتمة الطبع پس از سپاس آفریننده معبود معاد و بهشت و دوزخ جزا دهنده عباد و درود سید رسل شافع کل در مقام
محمود برای نجات عاصیان از میان آتش و دود و خوشنودی اهل بیت و اصحاب صاحبان میزان گران از بلای
اهل چون برق گذران فرموده می آید که چنانچه تذکره احوال موتی و بیان شدائد قبور باعث اقدام بر طاعت و اعراض از معصیت
همچنین تذکرهٔ احوال آخرت و معاد و امید و بیم ثواب و عقاب یوم التناد علت گذاشتن موجبات وقوع در نیران و طلب کردن
اسباب دخول در جنان است نظر بوجه پیشین پیش ازین رساله متبرکه **تذکرة الموتی والقبور** بطبع در آمده جلوه فرمای
جهان گردیده اکنون نظر بوجه پسین و برحسب ایفای وعده سابقه که در خاتمهٔ رساله موصوفه مطبوعه بپیرایه تحریر پوشیده بود
کتاب هدایت نصاب **تذکرة المعاد** از افادات جناب علم الهدی علامة الوری مولانا قاضی محمد ثناء الله صاحب
قدس سره به تصحیح تمام و تنقیح مالاکلام و ترجمه عبارات عربیه و ثبت حواشی ضروریه باهتمام امیدوار افضال یزدان
محمد عبد الرحمن بن حاجی محمد روشن خان مغفور در مطبع نظامی واقع کانپور بماه جمادی الاخری سنه ۱۲۸۰ هجری
بپیرایه طبع در کشیده رغبت افزای دینداران بطاعت و اعراض فرمای گنهگاران از معصیت گشت هرگاه اهل نظر
چشم بصیرت برین شاهد زیبا بگشایند و دیده دل را بدیدارش نور و سرور افزایند احقر را در وقت خاص یاد آورده بدعای
حسن خاتمه ممنون فرمایند چون طبع خاکسار بطبع مصنفات جناب قاضی صاحب قدس سره رغبتی تمام دارد خصوصا
تفسیر مظهری که همگی همت و جملگی نهمت خواهان طبعش میباشد فاما سرمایه حصول این مامول بدست نمی دهد اگر بزرگان
توجه دلی را در دعا کار فرمایند همانا افضال ایزدی اسباب طبعش را ارزانی فرموده آن مخدره رعنا را از
مطمورهٔ قلت بر منصهٔ کثرت بجلوه گری نشانند و دیدهٔ آرزومندان دیدارش را نورآگین و مسرت آما گرداند
آمین رب العالمین والصلوة والسلام علی رسوله محمد و آله واصحابه وازواجه اجمعین

وجه ختم مهر خاتمه برای سند این معنی که این کتاب مطبوع مطبع نظامیست مهر و دستخط مهتمم نموده شد





